

آموزش و پرورش در ایران اسلامی: تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی

اسد سیف

مطالبی از آن حذف و یا بر آن اضافه شده است. هدف این است که از همان ابتدای ورود کودک به مدرسه، از آغاز آموزش ابتدایی، در مدرسه به دانش آموز تفهیم گردد که او یک مسلمان است و وابسته به اُمت اسلامی. کودک باید بیاموزد، که «تعلیم و تربیت، عبادت است». این جمله آذین جلد تمامی کتاب‌های درسی است و جایگزین «توانا بود، هر که دانا بود» شده است. به عبارتی دیگر، کودک سواد می‌آموزد، نه برای دانا شدن و توانا گردیدن، بل که عبادت به راه خدا، جهت «خشنودی» او تا بدین وسیله «رستگار» شود. (۲)

دانش آموزان ایرانی در سال ۱۳۵۷ هم گام با مردم، نقش بزرگی در انقلاب داشتند. در ماه‌های نخست پس از انقلاب، دانش آموزان با تشکیل شوراهای مدارس، در اداره‌ی مدرسه نقشی به سزا بر عهده گرفتند. جنب و جوش فزاینده‌ی شان به محیط درس و مدرسه جان تازه‌ای بخشید. چنین روندی خوشایند حاکمیت نبود. در تابستان سال ۱۳۵۸ با استفاده از تعطیلات مدارس، در پی «انقلاب فرهنگی» بیش از چهل هزار معلم و هزاران دانش آموز از مدارس کشور، هم راه با هزاران استاد دانش گاه و دانش جویان مدارس عالی از ادامه‌ی کار و یا تحصیل در مراکز آموزشی محروم شدند. رژیم اعلام نمود، به چنین متخصصینی احتیاج ندارد، زیرا آنان «مکتبی» نیستند و یا نمی‌توانند «انسان مکتبی» تربیت کنند. بدین سان هم زمان با تغییر کتاب‌های درسی به متون مذهبی، عرصه‌ی آموزش و پرورش نیز از آموزگاران که از نظر فکری با حکومت هم خوانی نداشتند، آغاز شد.

در تغییر کتاب‌های درسی، محیط شهر جای خود را به روستا داد. میز و صندلی و لباس شهری نیز از تصویرهای درس‌ها حذف شدند. معرفی جشن‌های ایرانی هم چون نوروز و سده و شب چله کنار گذاشته شدند. شعر شاعران نوپرداز و به طور کلی هر شعری که نام خدا در آن یافت نمی‌شد، حذف شدند. در این راه حتا اشعار فردوسی را در شاهنامه از کتاب‌های درسی حذف نمودند. نام آدم‌ها نیز اسلامی شد. مثلاً علی و محمد و رضا جایگزین نام‌های پیشین شدند. زن‌ها در درس‌ها خانه‌دار شدند و مردها رئیس خانواده. صورت مردان را به ریش آراستند و بر سر زنان چادر افکندند. رنگ‌های تیره و تار جایگزین رنگ‌های

حکومت ایدئولوژیک حاکم بر ایران با تکیه بر اسلام، حقیقت را در انحصار خود می‌داند. در این حکومت، جهان و کار جهان تابعی است از یک «نظام الهی»، که قدرت سیاسی در آن از طریق نیروهای نظامی و عقیدتی ویژه‌ای اعمال می‌شود. حضور انسان در جامعه، تابع اراده‌ی خدا و پیامبر اوست که چگونگی آن در قانون اساسی کشور متبلور است.

آزادی فرد و به رسمیت شناختن فردیت انسان از دستاوردهای دنیای مدرن است. جمهوری اسلامی اما با نفی فردیت انسان، سه دهه‌ی پیش حضور خویش را در جهان اعلام کرد. در این جمهوری، انسان به شکلی که هست پذیرفته نمی‌شود. انسان‌ها باید در غالب تفکر رژیم بگنجد، در غیر این صورت، دستگاه‌ها و نهادهای کوچک و بزرگ حکومتی به کار می‌افتند تا با ارشاد و تهدید و مرگ، پروژه‌ی بازسازی انسان‌ها را عملی کنند. هدف این است، که «من» به «ما» و مردم به «اُمت» بدل گردند. در این راه باید هویت، گذشته‌ی تاریخی و واقعیت جهان امروز فراموش شوند تا زمینه‌ی لازم برای شست و شوی مغزی و در نهایت «ماشین مسلمان سازی» رژیم فراهم آید.

جمهوری اسلامی طی سه دهه از موجودیت خویش، با تشکیلات متمرکزی که در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تدارک دیده، تمامی رفتار جامعه را در کنترل و انحصار خویش دارد. آموزش و پرورش از جمله مراکز است، که باید در آن «انسان اسلامی» پرورش یابد، انسانی که مجری بینش حاکمیت باشد.

باید در نظر داشت که روحانیت در ایران، در کلیت خویش، مخالف مدارس به شکل نوین بود. آنان مدارس را با بی دینی مترادف می‌دانستند. آیت‌الله خمینی نیز تا پیش از رسیدن به «رهبری» بر همین عقیده بود. از سخنان اوست که می‌گوید: «ابتدا مدرسه‌ای در جایی تاسیس کردند و ما چیزی نگفتیم و غفلت کردیم. امثال ما هم غفلت کردند، که جلوی آن را بگیرند و نگذارند اصلاً تاسیس شود، و حالا زیاد شد و ملاحظه می‌فرمایید که مبلغین آن‌ها به تمام دهات و قصبات رفته‌اند و بچه‌های ما را نصرانی و بی دین می‌کنند.» (۱)

در همین راستا، از سال ۱۳۵۷ تا کنون کتاب‌های درسی و متون آموزشی چندین بار مورد تجدید نظر قرار گرفته‌اند. هر بار



بست‌های جامعه در عرصه‌های مختلف باشد. دیگر نمی‌توان با هیولا ساختن «غرب» جامعه را مرعوب کرد.

تکامل سرمایه‌داری تنها شکل‌گیری طبقات جدید را به هم راه نداشت. مسایل اجتماعی نوینی که در این روند پدید آمد، شکل‌گیری گروه‌های تازه‌ای را ایجاب کرد که هم گام با تحولات ساختار زندگی اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی نوینی را نیز با خود داشت. مساله‌ی زن و جنبش زنان از جمله این تحولات است. زنان که هم‌پا با مردان برای دست‌یابی به عدالت اجتماعی وارد میدان مبارزات سیاسی شده بودند، پس از مدت‌زمانی، در کنار این هدف، کسب حقوق برابر با مرد و مبارزه با نابرابری جنسی را نیز در شمار اهداف مبارزاتی خویش قرار دادند.

یکی از شیوه‌های سامانه‌ی مردسالاری برای بقای خویش، به کارگیری سیاست جداسازی است. جدا نگاه داشتن زنان از مردان و محدود کردن فعالیت‌های اجتماعی زنان باعث می‌شود، تا آنان ریشه‌های مشکلات زندگی خود را جدا از روابط اجتماعی و در نتیجه، تنها در محدوده‌ی زندگی شخصی و خانوادگی ببینند. زنان جدا نگاه داشته شده از زندگی اجتماعی، توان تحلیل ریشه‌های اجتماعی مشکل خویش را ندارند. این زنان اگر مشکل خویش را حاصل و یا نشانی از بدشانسی خود به شمار نیاورند، به این نتیجه خواهند رسید که بی‌کفایت هستند. و یا حداکثر این که، مشکل حاصله امری است طبیعی.

امروزه از منظر جنسیت، بسیار سریع و آسان می‌توان به ماهیت دولت‌ها و نیروهای سیاسی پی برد و از چگونگی نگرش آن‌ها به این موضوع، جایگاه و صف آنان را در استبداد و سنت و یا دموکراسی و تجدد تشخیص داد.

از واژه‌ی «تبعیض جنسی»، پندار و کرداری را در نظر داریم که بر اساس آن زنان فرودست‌تر از مردان قلمداد می‌شوند و مردان بر آنان تسلط دارند. زن در این بینش کم‌ارزش‌تر از مرد است و مرد با اعمال و رفتار و پیش‌داوری‌های خود می‌کوشد ایدئولوژی ویژه‌ی را بر جامعه حاکم گرداند: ایدئولوژی مردسالاری.

ایدئولوژی مردسالارانه حامی بی‌قید و شرط سلطه‌ی مردان بر زنان است. جامعه‌ی مردسالار، برای جنسیت، جامعه‌ای قطبی



بین می‌برند.» کارشناسان حذف بدین وسیله خواسته‌اند تا مطالب کتاب منطبق با میل و اراده‌ی دولت حاکم باشد. (۶)

با نگاهی به مواد و متون آموزشی در جمهوری اسلامی می‌توان به این نتیجه رسید، که جوان ایرانی با دنیایی پُر ابهام و نابسامان از مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شود. انسان پروده‌ی این نظام، با استناد به این داده‌ها، آن نیست که قادر باشد برای زندگی بهتر، در خلق محیطی انسانی بکوشد. این زنگ خطری‌ست، که باید جدی گرفته شود.

«تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی» بخش کوچکی‌ست از واقعیت آموزش و پرورش در ایران. با توجه به آن می‌توان به گوشه‌ای کوچک از عمق فاجعه‌ای بزرگ پی برد، که در سه دهه‌ی گذشته بر نظام آموزشی ایران حاکم بوده است.

تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی

این روزها در ایران و بسیاری از کشورهای خاورمیانه، موضوعاتی چون مدرنیته، جامعه‌ی مدنی، دموکراسی و حقوق بشر، توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی، جدایی دین از دولت، بحث روز است. در کشور ما، با گذشت بیش از ۱۵۰ سال از ورود دنیای تجدد و مدرنیته به آن، این واقعیت روز به روز آشکارتر می‌شود که: جامعه‌ی ما بسیار سطحی به این مسایل پرداخته است. در نتیجه، مشکل چون سابق هم چنان پابرجاست. این نیز، سرانجام پس از سال‌ها کشمکش و ستیز، به اثبات رسید که: تحول به سوی مدرنیته و تجدد گریزناپذیر است. ستیز کور و بی‌حاصل با بنیادهای فکری و مظاهر اجتماعی و دست‌آوردهای فرهنگی و سیاسی تجدد نمی‌تواند راه گشای بن

شاد شد. عکس خمینی جایگزین عکس شاه در صفحه‌ی نخست کتاب‌ها شد. حتا گفتند، انگلیسی با این هدف می‌آموزیم که «تا به زحمت کشان و پای در زنجیران دنیا بفهمانیم که همیشه خون بر شمشیر پیروز است و ملتی که راه شهادت را برگزیده، رستگار خواهد شد.» (۳) هدف از این همه تغییر، این بود که «زمینه را برای انقلاب اسلامی جهانی امام زمان، حضرت مهدی علیه‌السلام آماده سازیم.» (۴)

تحریف تاریخ به شکل گسترده‌ای آغاز شد. از پستوی تاریخ، «شیخ فضل‌الله نوری»‌ها را بیرون کشیدند تا جنبش مشروطیت را نفی کنند و در پی آن، حرکت ارتجاعی پانزده خرداد را آغاز تاریخ معاصر ایران معرفی کنند. برای حاکمیت بر اذهان توده‌ها، گذشته‌ی تاریخی دیگری لازم بود و در این راه می‌بایست تاریخ دیگری نوشته می‌شد. کتاب‌های درسی مناسب‌ترین ابزار جهت دست یافتن به این هدف انتخاب شدند.

کتاب‌های درسی در جمهوری اسلامی تاکنون چندین بار مورد بازبینی قرار گرفته‌اند. (۵) حذف و اضافه نمودن در طی سی سال گذشته همیشه یک سان نبوده. با توجه به حاکمیت و جو موجود، هر بار درس‌هایی حذف و یا مطالبی اضافه شده‌اند. آخرین مورد از آن را مثلاً می‌توان در سال تحصیلی جاری در رابطه با دولت احمدی نژاد دید. در درس «آسیب‌های نظام سیاسی» از کتاب «مطالعات اجتماعی» سال اول دبیرستان چند سطر زیر حذف شده‌اند: «اگر بخواهیم نظام سیاسی را رتبه بندی کنیم، در راس آن‌ها باید از عدم مشروعیت نظام سیاسی یاد کرد که بخشی از آسیب‌های دیگر معلول این آسیب هستند. بخشی دیگر نیز از آن جهت آسیب شناخته می‌شوند، که مشروعیت نظام را از



شده است. همه چیز به زنانه و مردانه تقسیم می‌شود. بر این اساس، جنس‌ها از کلیشه‌ها پیروی می‌کنند و حاضر نیستند دیوار کلیشه را فرو ریزند. این کلیشه‌ی تبعیض آمیز بر تمامی عرصه‌های جامعه، از محیط آموزش و پرورش گرفته تا کار و زندگی خانوادگی، حاکمیت دارد و اعمال نفوذ می‌کند. قوانین و رفتار حاکم بر جامعه، خود در عمل، مردم را در دست یابی عمومی به کار و ارزش یک سان باز می‌دارد. استعدادها نه به میل فردی، بل به سلیقه‌ی جامعه انتخاب می‌شوند. جامعه عواطفی را می‌گذرد، تا رفتاری را چیره و غالب گرداند.

جامعه‌ی سنتی، جامعه‌ای است که در آن نابرابری بین گروه‌های انسانی موجود است. و مردسالاری حاکم، با شیوه‌های گوناگون، با توجه به نیاز خویش، زنان را از ابزار قدرت و کسب استقلال اجتماعی محروم و طرد می‌کند. در چنین جوامعی، حربه‌ی «اخلاق» همیشه کاربرد دارد و وسیله‌ای بوده و هست برای اعمال نیات مردسالارانه.

در جامعه‌ی سنتی، اخلاق سنتی و وجدان مردسالارانه از طریق خانواده، دولت، افکار عمومی، مذهب و آموزش و پرورش بر جامعه تحمیل می‌شود.

اخلاق سنتی، به مثابه پاسدار بی قید و شرط عدم تنوع در زندگی افراد جامعه و به ویژه زنان، در اصل، راه را بر هر چون و چرا، بر هر تفکر و تخیل می‌بندد. اخلاق سنتی ارزش‌های کلیشه‌ای جامعه را پیوسته با خود دارد.

اخلاق سنتی، از همان بدو تولد، از خانواده به کودک منتقل می‌شود. این اخلاق در مدرسه، از طریق کتاب‌های درسی و مواد آموزشی، به او یاد داده می‌شود و در نتیجه، به یکی از ارزش‌های جامعه‌ی مردم‌محور بدل می‌شود.

از آموزش می‌توان به عنوان یکی از ابزار توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی کشور نام برد. عارضه‌ی بی سوادگی و غلط آموزشی را، به ویژه در مورد زنان، می‌توان در کشورهای «عقب مانده» به خوبی مشاهده کرد. امروزه دیگر بر عالمان علوم اجتماعی روشن است، که نمی‌توان بر عللی چون رابطه‌ی متقابل میان سطح آموزش و مسایلی چون فقر و تبعیض جنسی، در عدم توسعه‌ی جامعه، چشم پوشید. (۷)

در دنیای معاصر بر هیچ جامعه‌ای پوشیده نیست، که کتب و مواد درسی مدارس و هم

چنین کتاب‌های کودکان و نوجوانان، دارای نقش اساسی در آموزش و انتقال هنجارها، ارزش‌ها و عقاید است. بیهوده نیست، که ادبیات کودکان را در شمار مصالح آموزشی محسوب می‌دارند.

در بینش حاکم بر کتاب‌های درسی هر کشور، ایدئولوژی حاکم بر آن کشور پنهان است. از این منظر، دولت در ایران، سرچشمه‌ی اصلی ستم بر زن و تبلیغ تبعیض جنسی است. از دیدگاه تفکر حاکمیت است، که آزادی عمل زنان و چهارچوب فعالیت‌های آنان تحت سلطه‌ی مردان محدود می‌شود. مردان با امکانات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بی‌حدی که دارند، عملاً راه هر گونه فعالیت را بر زنان در خارج از محدوده‌ی خانه می‌بندند. جمهوری اسلامی در متون آموزشی خود، در کتاب‌های درسی، فرودستی زنان را تحت عناوین طبیعی، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمایاند.

اگر بپذیریم که نظریه شیوه را تعیین می‌کند و اساس جامعه بر نظریه‌ها استوار است، آن گاه می‌توان بهتر به جهان بینی حاکم بر جمهوری اسلامی و چگونگی اعمال نظرهای تبعیض جنسی آن بر کتاب‌های درسی پی برد.

جمهوری اسلامی، اگر چه بسیاری از نظریه‌های تبعیض جنسی حاکم بر جامعه و بالتبع کتاب‌های درسی را از روابط سرمایه‌داری حاکم بر جهان به ارث برده، ولی روابط مردسالارانه و بیش سستی و مذهبی آن، خود علت تشدید حضور این نگرش است. به روایتی دیگر، تبعیض جنسی حاکم از تلفیق دو نظام مردسالاری مذهبی و سرمایه‌داری منتج شده است. این را نیز باید در نظر داشت که: مردسالاری تنها به شکل سنتی اعمال نمی‌شود. سرمایه‌داری خود در تغییر و تلفیق آن با جامعه‌ی روز نقش ویژه و مؤثری دارد.

در متون درسی، هم چون جامعه، زنان بازیگران و نقش‌آفرینان متنی از زندگی اجتماعی هستند که از پیش برای‌شان در نظر گرفته شده است و آنان حق اعتراض به آن را ندارند. مرد سلطه‌ی خویش را اعمال می‌کند و زن رنج و تحقیر را تجربه می‌کند. در همین رابطه، این را هم باید به یاد داشت که: تفاوت و ارزش حقوقی میان آدمیان در میزان قدرت و ثروتی است، که از جامعه به آنان تعلق دارد و یا تعلق می‌گیرد. با نگاهی به جامعه‌ی ایران و روابط حاکم

بر آن، به خوبی می‌توان دریافت که زن در آن، به همان نسبت که فرودستان جامعه در برابر حاکمیت بی‌قدرتند، فاقد قدرت است. جامعه‌ی ایران در کلیت خویش از مردان و تفکر مردانه تشکیل شده و زنان تنها اجزاء حاشیه‌ای آن هستند.

اگر بپذیریم که اجتماعی شدن کودکان از همان سنین پایین آغاز می‌شود، پس به نقش آموزش‌های کلیشه‌ای نیز باید توجهی خاص مبذول داشت. در جوامعی چون ایران، پسر از بدو تولد، سروری و مقام برتری را نسبت به فرزند دختر داراست. این نقش در سال‌های بعد، با ورود کودک به مدرسه، با توجه به متون و مواد آموزشی، پی گرفته، ادامه می‌یابد. در این روند، شخصیت زن از همان ابتدا تا آن حد بی‌اعتبار می‌شود که اثرات منفی آن هیچ گاه از بین نخواهد رفت.

با این تفصیلات، با نظری بر کتاب‌های درسی، سعی خواهد شد تا موضوع مستند و ملموس‌تر پی گرفته شود. هدف این نوشته، بررسی کوتاهی است در کتاب‌های درسی ایران. در این بررسی کوشش شده است تا جوانب مختلف تبعیض جنسی، در مواد و متون آموزشی کشور پی گرفته شود. ابزار کارم در این تحقیق، بیست و یک کتاب درسی دوره‌ی دبستان و چهار کتاب درسی دوره‌ی اول متوسطه بوده است. با این توضیح که از مجموع بیست و دو کتاب دوره‌ی دبستان، کتاب فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی سوم را در اختیار نداشتیم. از دوره‌ی اول متوسطه نیز کتاب فارسی آن را انتخاب کرده‌ام. و کتاب جامعه شناسی سال سوم آموزش متوسطه را هم به عنوان یک نمونه برگزیده‌ام. طبیعی است، که کتاب‌های درسی مورد این بررسی را می‌توان از جوانب دیگر نیز پژوهید، کاری که لازم است و باید انجام پذیرد. (۸)

در نخستین دور از بررسی، موضوع مورد بحث را می‌توان در دو محور دنبال نمود: تبعیض جنسی در خانواده و تبعیض جنسی در اجتماع.

تبعیض جنسی در خانواده

چگونگی و میزان توسعه‌ی یک کشور را می‌توان از میزان مشارکت زنان در اقتصاد آن کشور بازشناخت. این امر، رابطه‌ای مستقیم با حضور زن در ارکان فعالیت‌های اجتماعی و حضور در مراکز قدرت سیاسی کشور نیز دارد.



در تمامی جوامع سبزی شده، خانواده همیشه تنها ساختاری بوده است که زنان به آن تعلق داشته‌اند. در چنین جوامعی، زن نه تنها حق هیچ گونه تصمیم گیری در مسایل اجتماعی را ندارد، بل که حضور او در جامعه سؤال برانگیز است. در جامعه سنتی، پدر، برادر و یا شوهر، حافظ منافع زن است.

در فضای حاکم بر کتاب‌های درسی ایران نیز، هم چون جامعه، خانواده تنها اجتماعی است که زن می‌تواند در آن مورد توجه قرار گیرد. در این «اجتماع»، زن وظیفه پشتیبانی و اطاعت از پدر، شوهر و فرزندان را بر عهده دارد، برای‌شان دل می‌سوزاند، موقعیت لازم را جهت آسایش تن و آسودگی خیال آنان فراهم می‌آورد و تنبیهات‌شان را فروتانه پذیرا می‌شود.

حاکمان جامعه سنتی به خوبی می‌دانند، که کلیشه‌ها در ذهن کودک مؤثرتر از ذهن یک بزرگ سال است. بر این اساس، آنان از طریق کتاب‌های درسی، از ابتدای ورود کودک به مدرسه، نگرش تبعیض‌آمیز را، به ویژه در عرصه تبعیض جنسی، در او نهادینه می‌کنند. دانش آموز از همان آغاز می‌آموزد، که چه کسانی را به دیده تحقیر باید بنگرد و احترام خویش را نثار کدامین کس بنماید. چه صفت‌هایی را در خود بپرورد و از چه امتیازاتی بهره‌مند شود.

جامعه سنتی از طریق متون درسی، افکار را به یک سمت هدایت می‌کند و طبیعی است که کودک پرورش یافته در این جامعه، انسانی تک بُعدی و یک سونگر باشد. از همان بدو تولد به دختر گفته می‌شود، که او به جنس ضعیف و

لطیف تعلق دارد، پس فرودست‌تر است. کتاب‌های درسی به عرصه آموزش سلطه‌ی مرد بر زن بدل شده است. آن چه در این دروس اعتبار می‌یابد، قدرت و خلاقیت مرد است و آن چه به هیچ انگاشته می‌شود، زن است که در چهارچوب سنت و روابط سنتی، نکبت بار به زندگی ادامه می‌دهد. جمهوری اسلامی توسط کتاب‌های درسی، نقش دانش آموزان در جامعه فردا را به آنان القاء می‌کند.

در نمودار جامعه الگو در کتاب‌های درسی، بر عکس جوامع پیش رفته که تربیت دانش آموز را بدون هیچ کلیشه‌ای مد نظر دارند، ابتدا دختر و پسر را از هم جدا نموده

و آن گاه هر کدام تصمیمات تربیتی ویژه‌ای پیش می‌گیرند. به عبارت دیگر، به جای تربیت کودک، تربیت پسران و تربیت دختران را سازمان دهی می‌کنند. در این نوع از تربیت، دختر همسر و مادر شدن، آشنایی و خانه‌داری می‌آموزد و پسر کار در بیرون از خانه و چگونگی حمایت از همسر و سرپرستی او را.

نقش زن ایرانی در کتاب‌های درسی محدود است به همسر شدن، مادر شدن، خواهر بودن، خانه‌دار گشتن. سایه‌ی کم رنگی از معلم شدن در چند تصویر از کتاب‌های درسی نیز به چشم می‌خورد.

زن در ایران هنوز در کلیشه‌ای قرار دارد



که از این نگرش، او صاحب احساس ویژه و وظیفه‌ی منحصری است. زن، مادر و یا کدبانویی است فداکار که از خود می‌گذرد تا مردان خانه و جامعه‌اش ببالند و بشکوهند و بنازند و بمانند. جامعه‌ی مردسالار، مادر را گرامی می‌دارد، نه به این سبب که زن است و انسان، بل که الگویی است برای دختران که تا مادر بشوند و در اصل از جامعه به دور بمانند.

نقش انفعالی زنان در مسایل خانوادگی، نه تنها از طریق متون درسی، بل که از سوی تمامی رسانه‌های دولتی و نشریات سنت گرا، تبلیغ می‌شود. مردان خانواده در تمامی مسایل خانواده، هم چون جامعه، تصمیم

گیرنده هستند و زنان، حتا بی آن که خود بخواهند، موافق و مجری تصمیمات آنان. اقتدار مردسالارانه‌ی حاکم، پیوسته راهنمای زندگی زنانی است که هیچ قدرتی در تفکر و تصمیم ندارند.

در این نباید شک روا داشت که: مرکز اعمال تبعیض جنسی، خانواده است. عامل انتقال و گسترش تفکر مبنی بر تبعیض جنسی نیز همین مرکز است. اگر چه عمل ارزش گذاری بر کار مرد و زن را جامعه برنامه ریزی می‌کند، ولی در این مرکز است که نتیجه گرفته می‌شود: کار مرد ارزش بیش تری دارد، چون پول آور است و کار خانگی، با این که مدت زمان بیش تری می‌طلبد، فاقد ارزش است، چون پول ساز نیست.

از چنین بینشی است که پدر برتر می‌شود، به ریاست خانواده ارتقا می‌یابد و نان‌آور خانه محسوب می‌شود. مادر اما، زن است و فرودست، همسر است و وابسته و در نهایت به دور از حقوق اجتماعی. در همین شرایط است، که هویت جنسی کودکان شکل می‌گیرد. دختر نقش مادرانه را برمی‌گزیند و پسر خود را برای ریاست خانواده آماده می‌سازد. بیهوده نیست که در جامعه‌ی ما، آن گاه که پدر بی آن که صاحب فرزند پسری باشد، بمیرد، خانواده را بی سرپرست می‌نامند. و چنین است که فرزند پسر، صاحب ارزش اجتماعی می‌شود.

بر اساس سنت و در چهارچوب اخلاق اجتماعی، والدین خود در محرومیت دختران نقش بزرگی دارند. آنان خود نمی‌خواهند که دختران در اقتصاد

خانواده و در مقیاس بزرگ‌تر، اقتصاد کشور، مشارکت داشته باشند. عدم توانایی زن یکی از پیش داورهای متداول است، که جامعه‌ی مردسالار آن را تبلیغ می‌کند.

در جامعه چنین تبلیغ می‌شود، که کار با ارزش مرد به نفع تمامی اهل خانواده است و اگر زن به کار بی اهمیت خارج از خانه تن در دهد، اساس و استحکام خانواده خلل پذیرفته، درهم می‌ریزد.

فرزند دختر رُشد می‌کند، تا عروس خانواده‌ای دیگر و نهایتاً مادر شود. فرزند پسر، اما بر عکس، باید نقش گرداننده‌ی اقتصاد خانواده را بر عهده بگیرد. پس می‌بینیم، که والدین برای آینده‌ی شغلی دختران سرمایه گذاری



نمی‌کنند. دختر صاحب ارزش کم‌تری به نسبت پسر در خانه و جامعه است. در این رابطه است، که شاهد آسیب پذیری بیش‌تر اقتصاد کشور می‌شویم. زن که فاقد مهارت ارزش مندی در خارج از خانه باشد، طبیعی است که قدرت تاثیرگذاری بر تصمیمات خانواده را هم نداشته باشد.

مردم در جامعه سنتی چنین می‌پندارند که اگر فرزند دختر به مدرسه برود، اتلاف وقت بیهوده‌ای خواهد بود که پی‌آمد آن جز از دست دادن فرصت یادگیری بچه‌داری، خانه‌داری و کار خانگی نیست. در این جوامع، از دیگر سو، دین در قدرت انتخاب والدین نقش به‌سزایی دارد. برخی از والدین تحصیل را مغایر با رسوم و اخلاق اجتماعی می‌دانند و معتقدند که زن تحصیل کرده نمی‌تواند همسر خوبی باشد. از آن گذشته، تحصیل دختر می‌تواند تهدیدی باشد برای امکان ازدواج او.

متون و مواد درسی در چنین جوامعی، شکافی عمیق بین دو جنس ایجاد می‌کنند. سیاست‌های آموزشی کشور بر ناهم‌گونی دو جنس استوار است. بر این اساس، بازده تحصیل در بین دو جنس نیز نمی‌تواند هم‌سان باشد. مطالب کلیشه‌ای کتاب‌های درسی موجب بروز رفتارهایی در دختران می‌شود که ناامیدی را در آنان، برای شایستگی امور، دامن می‌زند. دختران در متون درسی یاد می‌گیرند، که پسران توانا‌تر از آنان در کارهای علمی و فنی هستند. کشف دنیای خارج برای دختران از متون دروس آموزشی ایران حذف شده است. رژیم با این ترفند، جلوی اجتماعی شدن زنان را می‌گیرد.

مردسالاری حاکم بر متون درسی ایران، توانایی‌ها و خصوصیات را به زنان نسبت می‌دهد که چه بسیار در مردان هم دیده می‌شود و یا بالعکس، مردان را به ویژگی‌هایی بهره‌مند و از قدرتی برخوردار می‌سازد، که در زنان نیز می‌توان یافت. مردسالاری، صفات را مردانه و زنانه می‌کند، هم چنان که مشاغل و رفتار را.

رسوم و اخلاق برخاسته از مذهب، تحصیل زنان را خطری برای عفت و نجابت آنان می‌داند. همین تفکر است که حجاب را به عنوان حافظ آبرو تبلیغ می‌کند و سعی در جداسازی زن و مرد در جامعه را دارد. مخالفت با کلاس‌های درسی مختلط، ممنوعیت حضور معلمان مرد در کلاس‌های درسی دختران و یا بر عکس، پرهیز از

فرستادن دختران به مدارسی که اندکی بیش‌تر با محل سکونت فاصله دارند، فشار مضاعف بر دختران برای تن دادن به ازدواج در سنین پایین و... همه در شمار اهرم‌های فشار بر دختر، جهت دور نگه داشتن او از محیط آموزشی است.

در همین رابطه است، که می‌بینیم در میان دانش‌آموزان دختر «در مقطع سنی ده تا چهارده سال، ۵۳ هزار و ۴۷۳ دانش‌آموز و در مقطع سنی پانزده تا نوزده سال، ۶۱۷ هزار و ۹۲۰ دانش‌آموز متاهل هستند.» (۹)

در سراسر کتاب‌های درسی، بر اساس تنها الگویی که تبلیغ می‌شود، زن مادر است و خانه‌دار، مرد نان‌آور است و رئیس خانواده، دختر کمک مادر است در کار خانه و پسر مقلد کار پدر و در تدارک مرد فردا شدن. زن در این دروس، بدون نقش مادر و همسری، موجودی است فاقد هویت.

تبعیض جنسی در اجتماع

چگونگی تقسیم جنسی کار در بازتولید اجتماعی امری است، که می‌تواند میزان تبعیض جنسی را در یک کشور مشخص کند. «بر طبق آمار سازمان ملل، زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، ده درصد از درآمد جهان را به دست می‌آورند و مالک کم‌تر از یک درصد دارایی‌های آنند. برآورد کرده‌اند، که کار بدون دست مزد زنان معادل یک سوم به میزان تولید اقتصادی جهان می‌افزاید.» (۱۰)

در سال‌های اخیر، بر اساس اسناد و مدارک موجود، در وضعیت آموزش زنان و بالخصوص موقعیت زن در کشورهای اسلامی تغییراتی پدید آمده است. ولی این بدان معنا نیست، که زن نقش برابری با مرد در این جوامع دارد. عدم آگاهی، نبود پژوهش‌های عمیق جهت روشن‌تر شدن موضوع، تاثیر رسوم مذهبی و فرهنگی و ارزش‌های مردسالارانه‌ی حاکم، از جمله عوامل بازدارنده‌ای هستند که می‌توان به آن‌ها استناد کرد.

رسوم اجتماعی و مذهبی حاکم باعث شده که کشورهای خاورمیانه، بالاترین درصد را به نسبت دیگر کشورهای جهان، در ایجاد موانع برای تحصیل زنان دارا باشند. در این جوامع، زن تحت فشار شدید اجتماعی مجبور است، تا خود را برای همسر و مادر شدن آماده کند.

از مجموع ۷۴ درصد جمعیت باسواد ایران در سال ۱۳۷۰، هشتاد درصد آنان مرد

و شصت و هفت درصد زن هستند. «از طرف دیگر، هر سال بیش از یک میلیون نفر از کودکان واجب‌التعلیم به مدارس راه نمی‌یابند، که در این رقم درصد دختران دو برابر پسران است... در سال ۱۳۷۰، در برابر پنج میلیون و دویست هزار دانش‌آموز پسر، چهار میلیون و ششصد هزار دانش‌آموز دختر وجود داشت. در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، پنج میلیون و دویست هزار دانش‌آموز پسر در مقابل هشتصد و هشتاد هزار دانش‌آموز دختر به مدرسه می‌رفتند. در دانش‌گاه‌ها نیز نسبت دانش‌جویان پسر به دختر، هفتاد درصد در مقابل سی درصد بود... در مقابل باید به ساختار مشاغل نیز توجه داشت، که از مجموع سیزده میلیون شاغل کشور، تنها یک میلیون و دویست هزار نفر زن هستند. بنابراین، زنان فقط نه درصد از مجموع افراد شاغل را تشکیل می‌دهند.» (۱۱)

این نیز قابل ذکر است که: «متوسط سرانه‌ی فضای آموزشی دختران ۲۷٫۳ متر مربع در مقابل سرانه‌ی پنج مترمربعی پسران است. هم چنین از ۹۱۵ مرکز شبانه‌روزی آموزش فعال در کشور، فقط یک سوم متعلق به دختران است... یک میلیون و ۶۱۹ هزار دانش‌آموز دختر به علت کمبود امکانات در مناطق محروم کشور از تحصیل باز مانده‌اند.» و همین‌طور است که: «بیش از یک هزار سالن ورزشی ویژه‌ی پسران است، در حالی که فقط یازده سالن ورزشی به زنان تعلق دارد.» (۱۲)

آموزش دختران، بی‌هیچ تبعیضی، می‌تواند بهترین امید را جهت محو محرومیت زنان در جامعه به بار آورد. تحصیل بیش‌تر باعث می‌شود تا از یک سو، درآمد اقتصادی افزایش یابد و از دیگر سو، بینش زنان دگرگون شده، تاثیر مثبت بپذیرد. فواید اجتماعی این آموزش انکارناپذیر است. دانایی و آگاهی حاصله، تاثیر ژرفی را در جامعه به هم راه خواهد داشت.

در کتاب‌های درسی ایران، دختر یاد می‌گیرد تا خدمت‌گزار باشد و از خودگذشتگی بیاموزد. در مقابل، پسر می‌آموزد که مستقل باشد. دختر مهارت‌های خانه‌داری را یاد می‌گیرد و پسر علوم و فنون کار و شغل آینده را. دختر، مادری کردن و هنرهای زنانه را می‌آموزد و پسر، سازمان‌دهی و ریاست را.

در جهان مردانه‌ی کتاب‌های درسی ایران، در



مقولات ساخته‌ی ذهن مردان، سعی شده تا ستم و ستم دیدگی زنان پنهان بماند. دانش در کتاب‌های درسی، هر چند حضوری کم رنگ دارد، علمی مردانه است. متون و مواد درسی بر اساس کلیشه‌های سنت به زنان القاء می‌کنند، که بپذیرند و دریابند که تابع هستند. و بر این اعتقاد ایمان بیاورند که کار خانه، خانه‌داری، شوهرداری و بچه‌داری با «طبیعت زن» عجین است. در همین راستا است که اگر در نهایت به کار زن، در خارج از خانه، تن در داده شد، این کار نمی‌تواند تخصص ویژه‌ی را با خود داشته باشد. با این نگرش، زن می‌تواند صاحب مشاغلی چون معلم، پرستار و منشی شود. به این ترتیب، زن خود موقعیت فرودست خویش را در عمل باور می‌کند.

جمهوری اسلامی نه تنها کار تبعیض زدایی را از کتاب‌های درسی پی نگرفته، بل که آن را دامن زده و گسترش داده است. در سراسر متون درسی، مردان و زنان نقش‌های سنتی خود را دارند. در کتاب‌های درسی، زن روشن فکر، مهندس، دانش مند، هنرمند، نویسنده و یا نقاش، ورزش کار و... وجود ندارد. زن اگر بسیار شجاع باشد، در پشت جبهه‌ی جنگ به مداوای مردان مجروح اشتغال دارد و یا برای «سربازان اسلام» آذوقه و لباس تدارک می‌بیند.

علاوه بر تبعیض جنسی آشکار، در متون درسی سعی می‌شود دختران را از شهامت لازم جهت در اختیار گرفتن مشاغل جدید باز دارند و در عمل، ذهنیت زنان را از قدرت تفکر و تمرکز بر کاری خارج از خانه مخدوش کنند. به موازات آن، بر مردان چنین القاء می‌کند، که زن قادر به انجام هر شغلی نیست. بدین وسیله، رژیم خود تبعیض جنسی را آشکارا تبلیغ می‌کند.

کتاب‌های درسی ایران، برای زن در سیاست اعتباری قایل نیست. زن موجودی است بی‌علاقه به سیاست و یا حداکثر تحت تاثیر شوهر و باورهای سیاسی او. چنین سیاستی که در اصل نظر مردان را اعمال می‌کند، عملاً زن را در عرصه‌ی سیاست نادیده می‌گیرد و باعث می‌شود، تا زن در حیات سیاسی کشور حضور چشم گیری نداشته باشد. در متون درسی که جهان را از دیدگاه مردان تصویر کرده‌اند، با در حاشیه قرار دادن زنان، سعی می‌شود تصویری غیرواقعی از آنان نشان داده شود. جانب داری از ایدئولوژی نظام حاکم در تمامی صفحات کتاب‌های درسی

دید می‌شود. در این هیچ شکی نیست، که برای دختر دانش آموز ایرانی این سؤال پیش آید که: وقتی آنان با ازدواج خود به نان خور مردان بدل می‌شوند، چه لزومی دارد تا درس بخوانند. و مادر می‌تواند از خود بپرسد که: تلاش دختران در مدرسه برای کسب موقعیت بهتر به چه درد خواهد خورد، وقتی که آنان مجبورند نقش زنی خانه‌دار را در خانواده، در آینده، به عهده بگیرند و نه نقشی را در اجتماع.

در هیچ متنی از کتب درسی، پسران و دختران به یک نسبت در حال انجام کارهای خانگی قرار ندارند. در هیچ یک از این متون، مادر و پدر با هم و یا با فرزندان به بحث در مورد مسایل روزمره‌ی زندگی نمی‌پردازند. مرد پیوسته تصمیم را اتخاذ و به افراد خانواده ابلاغ می‌کند. زن و فرزند همیشه تسلیم هستند و فرمان بردار. هر چه شوی اراده کند، بی هیچ کم و کاستی باید اجرا شود.

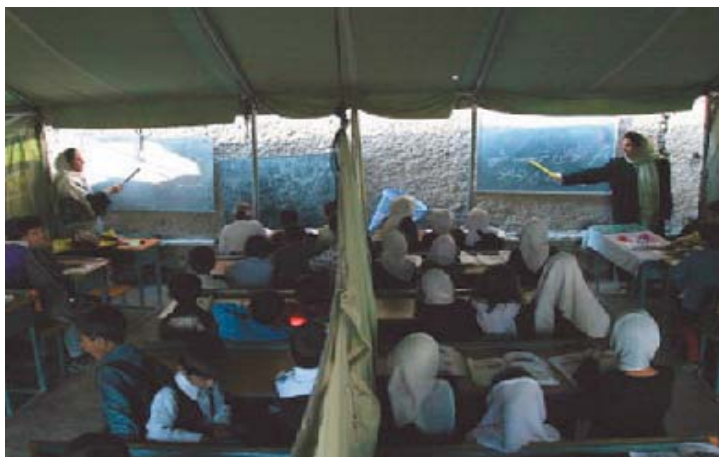
از شیرخوارگاه، مهد کودک، زن و شوهر بی‌فرزند، مادر تنها، زن و شوهر جداشده از هم، زن و یا مرد مجرد، زن و شوهر شاغل، هیچ اثری در کتاب‌های درسی موجود نیست. اگر بپذیریم که یکی از وظایف متون کتاب‌های درسی بازتاب موقعیت جامعه در جهت دگرگونی آن است، پس پهنه‌ی توجه به عدم تبعیض جنسی و آماده سازی و تبلیغ برابر جنسی باید به اندیشه‌ای بنیادین در تدوین متون درسی بدل گردد. در دست یابی به این مقصود، متونی از دروس کارایی بیش‌تری خواهند داشت که دانش آموزان را از تفکر و کارکرد کلیشه‌ای به دور نگه دارد. (۱۳)

هم اکنون از طریق کلیشه‌های حاکم بر کتب درسی، رفتار و ارزش‌های خاصی بر جامعه تحمیل می‌شود. بارزترین این

کلیشه‌ها به تبعیض جنسی تعلق دارد، که بازتاب ایدئولوژی حاکمیت است. بر این اساس، مرد به نسبت زن از برتری جسمانی، عقلانی، اخلاقی و حقوقی برخوردار است. مردان مستقل‌تر از زنان و شایسته‌تر از آنانند. پسران آزادتر از دختران و دختران موجوداتی فرمان بردار و هم چنین وابسته به پدر و مادر و برادر هستند. دانش آموز ایرانی هیچ راه‌گریزی از این کلیشه‌ها ندارد. کاربرد این کلیشه‌ها در جامعه به دوام و بقای آن می‌افزاید. کلیشه‌های موجود به الگوهایی بدل شده‌اند، که تکرار آن‌ها ملکه شدن بر اذهان را به هم راه دارد.

کار را در خانه و بیرون از خانه و به طور کلی در جامعه طوری بین زنان و مردان قسمت کرده‌اند، که کارها و وظایف به زنانه و مردانه تبدیل شده است. در عرصه‌ی خدمات نیز در به همین پاشنه می‌چرخد. رئیس و کارفرما همیشه مرد است و فرد فرودست زن. کارهای با تخصص بالا را مردان بر عهده دارند و زنان کارهای ساده و کم تخصص را. و چنین است که تبعیض جنسی در جامعه به سنت بدل می‌گردد و چنان بنیادی می‌شود که در عرصه‌ی سیاست، مردان رئیس موسسه، اداره، مجلس، حزب و به طور کلی «دولت مرد» شوند و زنان، سیاهی لشکر. این را نیز باید به یاد داشت که زنان ایران، اکنون خارج از طبقه بندی اجتماعی قرار دارند، زیرا در بازار کار حضوری مداوم ندارند و در ثانی، طبقه‌ی اجتماعی آنان بر اساس مشاغل شوهران‌شان تعیین می‌شود.

کتاب درسی ایزاری است در امر آموزش و پرورش، که می‌باید قدرت ذهن و تخیل کودک را بالاتر برده، گسترش دهد. تا آن‌گاه که دانش‌آموز قدرت تخیل کافی و ذهن لازم برای دگرگونی اجتماع نداشته باشد، کلیشه‌ها



هم چنان کاربردی عام خواهند داشت. هم اکنون وزارت آموزش و پرورش در ایران، از طریق کتاب‌های درسی، اساسی‌ترین نقش را در ترویج کلیشه‌ها و در راس همه، تبعیض جنسی به عهده دارد.

واقعیت در کتاب‌های درسی

• در کتاب فارسی اول دبستان، از ۸۹ تصویری که به شکلی با انسان سر و کار دارند، ۵۰ تصویر از مردان و ۲۰ تصویر از زنان است. از ۱۹ تصویر باقی‌مانده، ۱۵ تصویر از خواهر و برادر و یا اعضای خانواده است. در این کتاب، دو تصویر از انقلاب سال ۵۷ به چشم می‌خورد، که در آن هیچ نشانی از زن دیده نمی‌شود. در تصویر دیگری از خانه‌ی کعبه، فقط مردان نمازگزار را می‌بینیم. در تصاویر درس «مردم میهن ما»، تنها عکس‌هایی از مردان نقاط مختلف کشور دیده می‌شوند. در این کتاب، کلاس درس با تصاویر آقایان خمینی و خامنه‌ای تزیین شده است.

در تصاویر مردان از این کتاب، آنان را در حال میوه جمع کردن، رانندگی تراکتور، معلمی که با دانش آموزان پسر در مزرعه حضور دارد و با آنان درباره‌ی شخم زدن، بذر پاشیدن و درو کردن صحبت می‌کند، تاب درست کردن، کتاب خواندن، بنایی، نجاری، نقاشی، کشاورزی، نانوایی، گاری راندن و چوپانی نشان می‌دهد.

در تصاویر مربوط به زنان، آنان را در حال گل کاری، آب یاری گل‌ها، خیاطی و آشپزی نشان می‌دهد.

پسر در تصاویر این کتاب، دوچرخه تعمیر می‌کند، به پدر در تعمیر میز کمک می‌کند. نان می‌خرد و با دوستان خود که همگی پسر هستند، فوتبال بازی می‌کند. دختر در تصاویر کتاب، به مادر در کار آشپزی کمک می‌کند، سبزی پاک می‌کند، از مادر خیاطی می‌آموزد و با دختران دیگر توپ بازی می‌کند. گذشته از کلیشه‌های مذکور، می‌توان بر نمونه‌هایی چون ریش داشتن مردان، نماز خواندن آنان، با حجاب بودن زنان و روی زمین نشستن، برای صرف غذا، انگشت گذاشت.

از مجموع ۵۰ درسی از کتاب که در آن انسان حضور دارد، در ۲۲ درس موضوع با پسران و در ۱۴ درس با دختران در رابطه است. در ۱۴ درس باقی‌مانده، خواهر و برادر و یا خانواده حضور دارند.

با نگاهی دیگر به اولین کتاب آموزشی در مدارس ایران، می‌بینیم که از همان ابتدا این بابا است که آب می‌دهد، باباست که نان می‌دهد، باباست که تاب را بر درخت می‌بندد، باباست که کتاب می‌خواند. و در ادامه‌ی دروس باز پدر است، که می‌سازد و دوچرخه تعمیر می‌کند و این پسر است، که در این کار کمکش می‌کند. پدر نجار است. پدر بناست. مادر در این کتاب کسی است که خرید خانه را انجام می‌دهد، خیاطی می‌کند، آشپزی می‌کند، چای درست می‌کند، آش می‌پزد. و اکرم دختر خانه سبزی آش را تمیز می‌کند، در غذا نمک می‌ریزد. و باز این فرزند دختر است، که گل می‌کارد. جالب این است، که دختر مریض می‌شود.

کلیشه‌ی قابل توجه‌ی دیگر کتاب، خوردن آبگوشت است. حضور این غذا در کتاب‌های سال‌های بالاتر هم تکرار می‌شود. در خوردن آبگوشت، همه‌ی اعضای خانواده بر زمین، دور سفره، می‌نشینند. نان را تیلیت کرده، در وسط سفره می‌گذارند، ابتدا پدر و سپس بقیه‌ی اعضای خانواده از آن کشیده، می‌خورند. این شکل از خوردن به کرات در دروس آمده است.

از مجموع شش نقاش و خطاطی که این کتاب را پیراسته‌اند، همه مرد هستند.

• در کتاب فارسی دوم دبستان، از مجموعه‌ی ۴۲ تصویر، در ۲۵ تصویری که انسان در آن حضور دارد، ۱۵ تصویر از مردان و سه تصویر از زنان است. هفت تصویر باقی‌مانده، از خانواده، دید و بازدید خانوادگی، محیط مدرسه و صف رای دادن به جمهوری اسلامی است.

از ۱۹ درسی که انسان در آن حضور دارد، ۱۲ درس از حضور مردان و چهار درس از حضور زنان حکایت دارد. سه درس دیگر به خانواده و یا برادر و خواهر مربوط می‌شود.

در این دروس نکات زیر قابل توجه‌اند:

در چهار تصویری که از مدرسه آمده، همه‌ی مدارس پسرانه هستند.

در تصویری از رای گیری، مردان در یک صف و زنان در صفی دیگر دیده می‌شوند.

در تصویری از تظاهرات انقلاب، از وجود زن خبری نیست. به روایتی دیگر، انقلاب کار مردان است و یا بهتر این که، مرد در انقلاب شرکت می‌کند و زن در رای گیری، تا بدین وسیله کار مرد را تایید کند.

از سه تصویر زن در کتاب، یکی نشان گر حواس پرتی اوست. دخترک یادش می‌رود و کتاب داستان را پس از خواندن در حیاط، زیر درخت می‌گذارد. با بارش باران، کتاب خیس می‌شود. تصویر دیگر، دختری را هنگام تعارف کردن سینی شیرینی به مادر نشان می‌دهد. سومین تصویر از دختری است، که گاو و گوساله را برای نوشیدن آب به کنار رودخانه می‌برد. و این تنها تصویر مثبت کتاب از زن است.

پلیس، چوپان، کشاورز، بنا و نانوا، مشاغلی هستند از مردان در این کتاب. زن شاغل نه تنها در متن کتاب، بل که در تصاویر هم دیده نمی‌شود. حضور گسترده‌ی مردان در انقلاب، بازی و گردش پسران با هم، از دیگر موضوعات متن کتاب است.

تقریباً تمامی دروسی که پس از انقلاب به کتاب‌های درسی اضافه شده، از وجود زن به عنوان یک انسان برابر حقوق با مرد عاری است. در همه‌ی دروس سعی شده، تا زن کلیشه‌ای و سنتی حاضر شود. در دروس این کتاب نیز زنان چادر به سر کرده، مادر و خانه‌دار و یا خواهرند. مردان ریش دارند، نان‌آورند و جنگ جو و انقلابی.

از مجموع ۱۲ نقاش و خطاط این کتاب، هشت نفر مرد و چهار نفر آن زن هستند.

• در کتاب فارسی سوم دبستان، از ۳۱ تصویری که انسان در آن حضور دارد، ۲۴ تصویر از مردان و تنها سه تصویر از زنان است. چهار تصویر دیگر که مختلط است، مادر را در حال حمل غذا برای مردان خانواده که در مزرعه هستند، نشان می‌دهد. و یا مادر را در صف نان.

از مجموع ۲۵ درس این کتاب که موضوع آن به انسان مربوط می‌شود، در ۲۲ درس مرد و تنها در سه درس زن حضور دارد.

مردان در این کتاب، رهبر انقلاب، کشاورز، باغبان، صیاد، دانش مند، مخترع، انقلابی و جنگ جو هستند. و زنان، خانه‌دار، آشپز و مادری فداکار.

در این کتاب، هیچ شعر و یا داستانی از شاعر و نویسنده‌ی زن نیز وجود ندارد.

از مجموع شش نقاش و خطاط این کتاب، چهار نفر آن مرد و دو نفر زن هستند.

• در کتاب فارسی چهارم دبستان، از ۱۸ تصویری که انسان در آن حضور دارد، ۱۵ تصویر از مردان و تنها یک تصویر از زنان است.

از ۱۵ درسی که موضوع آن به انسان مربوط



می‌شود، در ۱۴ درس، شخصیت‌های مرد حضور دارند. تنها شخصیت زن کتاب، دختری است در حال نوشتن. مردان در دروس این کتاب، بنا، دکتر، کشاورز، دانش مند، مخترع، کاشف، شکارچی و سیاح و یا شخصیتی حاضر در صفوف انقلاب هستند. دانش آموز پسر در این کتاب (پسرک فداکار)، فردی فداکار است و می‌تواند حتا شهری را نجات دهد.

مردان این کتاب، آدمیانی سخت کوش و دارای اعتماد به نفس هستند (سرگذشت یک معلم). ایثارگرند (شکوه ایثار)، فداکار و از خود گذشته‌اند (فداکاری). در یکی از دروس، خمینی، رهبر انقلاب، در کلاسی پسرانه حضور می‌یابد. در درسی دیگر، تصویری از خمینی دیده می‌شود که در حال ریختن چای برای خود است. با توجه به این که او برای خویش چای می‌ریزد، این

با توجه به آمار ارایه شده، از مجموع ۱۸۵ تصویر که در کتاب فارسی دوره‌ی ابتدایی موجود است، ۶۷ درصد آن به مردان و ۱۴ درصد آن به زنان اختصاص دارد. در ۱۸ درصد از تصاویر، حضور مختلط زن و مرد (خواهر و برادر و یا اعضای خانواده)، دیده می‌شود. (به جدول شماره‌ی یک رجوع شود)

بر اساس همین آمار، از مجموع ۱۲۷ درسی که انسان به شکلی در آن حضور دارد، ۶۹ درصد شخصیت‌ها مردان و ۱۷ درصد شخصیت‌ها از آن زنان هستند. در ۱۳ درصد موضوعات، زن و مرد (خواهر و برادر و یا والدین) با هم دیده می‌شوند. (به جدول شماره‌ی دو رجوع شود)

کتاب‌های فارسی دبستان به طور کلی «تجدید نظر» شده هستند. به این معنا، که پس از انقلاب مورد بازبینی قرار گرفته، درس‌هایی حذف و دروسی دیگر بر آن اضافه شده‌اند. بر این اساس، نامی از مولفین و یا تجدید نظرکنندگان در ابتدای آن نوشته نشده است. بر طبق آمار از مجموع ۴۱ تصویرگر و خطاط کتاب‌های فارسی دبستان، ۳۳ نفر، یعنی ۸۰ درصد آن، مرد هستند.

• در کتاب علوم تجربی اول دبستان، از

جدول تبعیض جنسی در تصاویر کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی

عنوان کتاب	جمع تصاویر	تصاویر مردان	تصاویر زنان	تصاویر مختلط
فارسی اول	۸۹	۵۰	۲۰	۱۹
فارسی دوم	۲۵	۱۵	۳	۷
فارسی سوم	۳۱	۲۴	۳	۴
فارسی چهارم	۱۸	۱۵	۱	۲
فارسی پنجم	۲۲	۲۰	-	۲
مجموع تصاویر	۱۸۵	۱۲۴	۲۷	۳۴

جدول شماره‌ی یک

در درسی دیگر (فرزندان اسلام)، پسری آماده جنگ می‌شود و به جبهه‌ی جنگ می‌رود. زن این کتاب، مادری است ترسو (عبور از خیابان)، اهل جیغ و داد و «فریاد و شیون». در این کتاب هم از حضور زن در انقلاب خبری نیست. تصاویر انقلاب، همه مردانه است.

عکس، تنها تصویری از کتاب‌های درسی دوره دبستان است که مردی را در حال کار در خانه نشان می‌دهد. این را نیز باید متذکر شد که: در تمامی کتاب‌های درسی، بخش بزرگی به

از تمامی داستان‌ها و اشعار کتاب، فقط یک شعر با نام «باز می‌آید پرستو نغمه خوان»، به شاعری زن (پروین دولت آبادی) تعلق دارد. از مجموع هفت نقاش و خطاط این کتاب، همه‌ی آنان مرد هستند.

• در کتاب فارسی پنجم دبستان، از ۲۲ تصویری که انسان در آن حضور دارد، ۲۰ تصویر از مردان است. در دو تصویر مختلط، یکی از عروسک‌های تئاتر است و آن دیگر زنی است پیر که پسرکی یتیم او را هم راهی می‌کند. در این کتاب، هیچ تصویر دیگری از زن وجود ندارد.

از ۳۷ درس کتاب، ۱۴ درس به موضوع دین اختصاص یافته است. در این دروس شخصیت انسانی وجود ندارد. از ۱۸ موضوع داستانی کتاب، بدون استثنا، همه‌ی شخصیت‌ها مرد هستند.

جدول تبعیض جنسی در داستان‌های کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی

عنوان کتاب	مجموع داستان‌ها	تعداد داستان با حضور مرد	تعداد داستان با حضور زن	تعداد داستان با حضور دو جنس
فارسی اول	۵۰	۲۲	۱۴	۱۴
فارسی دوم	۱۹	۱۲	۴	۳
فارسی سوم	۲۵	۲۲	۳	-
فارسی چهارم	۱۵	۱۴	-	-
فارسی پنجم	۱۸	۱۸	-	-
مجموع	۱۲۷	۸۸	۲۲	۱۷

جدول شماره‌ی دو

مجموع ۱۳۳ تصویری که انسان در آن حضور دارد، ۹۲ تصویر از پسر و ۱۷ تصویر از دختر است. ۱۴ تصویر مختلط کتاب، خواهر و برادر و یا اعضای خانواده را نشان می‌دهد. در تصاویر دختران، در چهار تصویر، دختری را در حال آویزان کردن لباس‌های شسته بر بند می‌بینیم.

آموزش‌های مذهبی اختصاص می‌یابد. در این دروس از پیامبران و یا شخصیت‌هایی مذهبی صحبت می‌شود که همه‌ی آن‌ها، خود و یا مخاطبان‌شان، مرد هستند. در این دروس، نه زنی حضور دارد و نه صحبتی از زن است. از مجموع ده تصویرگر و خطاط این کتاب، هشت نفر مرد و دو نفر آن زن هستند.



زن، گذشته از خانه‌داری، دانش آموز است. اختصاص یافته است. در شش تصویر نیز ۱۵ تصویر به مردان و هفت تصویر به زنان و یا معلم.

مردان در این کتاب، صیاد، تراش کار، نجار، راننده، صحاف، مته کار، بقال و خیاط هستند.

زن در حال کار، در این کتاب، دختری است قالی باف و یا زنی دوزنده. از ۸۷ مساله‌ی ریاضی که انسان در آن عملی انجام می‌دهد، ۴۹ مورد آن مرد و ۳۸ مورد آن زن است. این کتاب دو مولف دارد، که هر دو مرد هستند. از سه تصویرگر کتاب، تنها یک تن زن است.

• در کتاب ریاضی سوم دبستان، از مجموع ۳۰ تصویری که انسان در آن حضور دارد، ۲۲ تصویر به مردان و تنها پنج تصویر به زنان اختصاص دارد. در سه تصویر مختلط کتاب، اعضای خانواده حضور دارند.

جدول تبعیض جنسی در تصاویر کتاب‌های ریاضی دوره‌ی ابتدایی

عنوان کتاب	مجموع تصاویر	تعداد تصاویر مردان	تصاویر زنان	تصاویر مختلط
ریاضی اول	۳۱	۱۸	۷	۶
ریاضی دوم	۲۲	۱۵	۷	-
ریاضی سوم	۳۰	۲۲	۵	۳
ریاضی چهارم	۳۲	۱۸	۱۲	۲
ریاضی پنجم	۲۹	۲۱	۵	۳
مجموع	۱۴۴	۹۴	۳۶	۱۴

جدول شماره‌ی شش

مرد در این کتاب، نقاش، هواشناس و آتش‌نشان است. او شخصی است در حال ورزش کردن و یا دانش‌آموزی کنجکاو. با توجه به آمار ارایه شده، از مجموع ۴۴۲ تصویر کتاب‌های علوم تجربی دوره‌ی ابتدایی که انسان در آن‌ها حضور دارد، ۷۱ درصد آن به مردان و تنها ۲۱ درصد آن به زنان اختصاص دارد. (به جدول شماره‌ی سه رجوع شود)

از مجموع ده مولف کتاب‌های علوم تجربی دوره‌ی ابتدایی، همه‌ی آنان مرد هستند. (به جدول شماره‌ی چهار رجوع شود)

از مجموع ۲۶ تصویرگر کتاب‌های علوم تجربی دوره‌ی ابتدایی، فقط دو تن زن هستند. (به جدول شماره‌ی پنج رجوع شود)

• از مجموع ۳۱ تصویر کتاب ریاضی اول

جدول تبعیض جنسی در مسایل کتاب‌های ریاضی دوره‌ی ابتدایی

عنوان کتاب	مجموع مسایل	مسایل مردانه	مسایل زنانه	حضور مختلط
ریاضی اول	۷	۵	۱	۱
ریاضی دوم	۸۷	۴۹	۳۸	-
ریاضی سوم	۴۱	۲۵	۱۲	۴
ریاضی چهارم	۴۰	۲۲	۱۸	-
ریاضی پنجم	۲۶	۱۵	۵	۶
مجموع	۲۰۱	۱۱۶	۷۴	۱۱

جدول شماره‌ی هفت

از ۴۱ مساله‌ی ریاضی که انسان در آن گننده‌ی کاری است، در ۲۵ مورد مرد و در ۱۲ مورد زن مشارکت دارد. در چهار مساله نیز خواهر و برادر حضور دارند.

از مجموع سه مولف کتاب، هر سه تن آنان مرد هستند. این کتاب دو تصویرگر دارد، که یک تن از آنان مرد و نفر دیگر زن است.

• در کتاب ریاضی چهارم دبستان، از مجموع ۳۲ تصویری که انسان در آن حضور دارد، ۱۸ تصویر از آن مردان و ۱۲ تصویر از آن زنان است. دو تصویر نیز خانوادگی است.

با نگاهی به تصاویر مردان، آنان در این کتاب، صیاد، نجار، کارگر کارخانه‌ی پارچه بافی، کارگر کارخانه‌ی قند، خراط، راننده و نقاش ساختمان هستند. تصویری نیز حضور مردان را در روزهای انقلاب، در

جدول مولفین کتاب‌های ریاضی دوره‌ی ابتدایی (بر حسب جنسیت)

عنوان کتاب	مجموع مولفین	عده‌ی مردان	عده‌ی زنان
ریاضی اول	۳	۳	-
ریاضی دوم	۲	۲	-
ریاضی سوم	۳	۳	-
ریاضی چهارم	۴	۴	-
ریاضی پنجم	۲	۲	-
مجموع	۱۴	۱۴	-

جدول شماره‌ی هشت

دبستان که در آن انسان حضور دارد، ۱۸ تصویر به مردان و هفت تصویر به زنان

• در کتاب ریاضی دوم دبستان، از مجموع ۲۲ تصویری که انسان در آن حضور دارد،



تظاهرات ثبت کرده است.

زنان در این کتاب، جای کار، آشپز، کاموآباف و شالیزکار هستند.

از مجموع ۴۰ مساله‌ی ریاضی، در ۲۲ مورد آن مردان و در ۱۸ مورد آن زنان حضور دارند. مساله‌ای که زن و مرد با هم در آن حضور داشته باشند، در این کتاب دیده نمی‌شود.

زنان و دانش آموزان دختر در مسایل این کتاب، عمدتاً مشغول جمع آوری پوشاک و آذوقه برای رزمندگان در جبهه هستند. آنان کلاه و بلوز برای «برادران در جنگ» می‌بافند و کار پشت جبهه را در حمایت از جنگ انجام می‌دهند.

از چهار مولف این کتاب، هر چهار نفر آنان مرد هستند. از دو تصویرگر آن، یک تن زن و یک تن مرد است.

• در کتاب ریاضی پنجم دبستان، از مجموع ۲۹ تصویری که انسان در آن حضور دارد، ۲۱ تصویر به مردان و پنج تصویر به زنان اختصاص دارد. در سه تصویر باقی مانده، اعضای خانواده دیده می‌شوند. مردان در این کتاب، کارگر معدن، کارگر ساختمان و راننده‌ی تراکتور هستند. زنان در این کتاب، کارگر خیاط، معلم و یا مادر و خانه دارند.

از مجموع ۲۶ مساله‌ی ریاضی که انسان در آن کاری انجام می‌دهد، ۱۵ مساله به مردان و تنها پنج مساله به زنان اختصاص دارد. در شش مساله خواهر و برادر و یا آنان به اتفاق پدر و مادر دیده می‌شوند.

این کتاب دو مولف دارد، که هر دو مرد هستند. از مجموع چهار تصویرگر کتاب، دو نفر مرد و دو نفر زن هستند.

با توجه به آمار ارایه شده از کتاب‌های ریاضی دوره‌ی دبستان، از مجموع ۱۴۴ تصویر، ۹۴ تصویر، یعنی ۶۵ درصد آن به مردان، ۳۶ تصویر (۲۵ درصد) به زنان و ۱۴ تصویر (ده درصد) به حضور مشترک زن و مرد اختصاص یافته است. (به جدول شماره‌ی شش رجوع شود)

بر اساس همین آمار، از مجموع ۲۰۱ مساله‌ی ریاضی کتاب، در ۱۱۶ مساله (۵۸ درصد)

مرد، ۷۴ مساله (۳۷ درصد) زن و ۱۱ مساله (پنج درصد) زن و مرد، با هم، حضور دارند. (به جدول شماره‌ی هفت رجوع شود)

از مجموع ۱۴ مولف این کتاب‌ها، بدون استثناء، همه‌ی آنان، یعنی صد در صد، مرد هستند. (به جدول شماره‌ی هشت رجوع شود)

از مجموع ۱۳ تصویرگر و خطاط کتاب‌ها، هشت تن (۵,۶۱ درصد) مرد و پنج تن (۵,۳۸ درصد) زن هستند. (به جدول شماره‌ی نه رجوع شود)

• در کتاب تعلیمات اجتماعی سوم دبستان، از مجموع ۲۱ تصویری که انسان در آن حضور دارد، یازده تصویر از آن مردان و دو تصویر از آن زنان است. در هشت تصویر اعضای خانواده دیده می‌شوند.

مردان در این کتاب، پلیس، چوپان، کشاورز،

جدول تصویرگران و خطاطان کتاب‌های ریاضی دوره‌ی ابتدایی (بر حسب جنسیت)

عنوان کتاب	مجموع تصویرگران	عده‌ی مردان	عده‌ی زنان
ریاضی اول	۲	۲	-
ریاضی دوم	۳	۲	۱
ریاضی سوم	۲	۱	۱
ریاضی چهارم	۲	۱	۱
ریاضی پنجم	۴	۲	۲
مجموع	۱۳	۸	۵

جدول شماره‌ی نه

نمونه‌ی روشن و کاملی است از تفکر سنتی نظام حاکم بر ایران و ایدئولوژی آن. این کتاب مملو از کلیشه‌هاست. کلیشه‌هایی که باید در اجتماع عمل شود. دانش آموز آن را در درس تکرار می‌کند، تا برای اجرا در جامعه‌ی فردا، ملکه‌ی ذهن گرداند. برای آشنا شدن خواننده، بی مورد نمی‌بینم که بریده‌هایی از آن را، جهت روشن‌تر شدن موضوع، نقل کنم.

خانواده در این کتاب شامل پدر - که کار می‌کند و نان‌آور خانه است - مادر - که خانه‌دار است - یک فرزند پسر و یک فرزند دختر - که هر دو درس می‌خوانند - است. مادر بزرگ عضو پنجم خانواده و مادر پدر خانواده است. علت انتخاب مادر بزرگ در جمع این خانواده، بی شک ریشه در این دارد که پسر به عنوان ارشد خانواده پس از مرگ پدر، وظیفه‌ی سرپرستی از مادر را بر عهده می‌گیرد. بر طبق سنت، والدین عموماً در زمان پیری نزد فرزند پسر ادامه‌ی زندگی می‌دهند.

مادر «علاوه بر کارهای خانه، خیاطی هم می‌کند و لباس می‌دوزد. او خیاط خوبی است.» مادر بزرگ «در پختن غذا و پاک کردن سبزی به طاهره خانم (زن خانه) کمک می‌کند.»

مریم، دختر خانواده، «نیز در کارهای خانه به مادر کمک می‌کند. مریم دوست دارد غذا پختن و خیاطی را از مادرش یاد بگیرد. او می‌خواهد در آینده معلم شود.»

علی، پسر خانواده، «برای خانه نان و نفت می‌خرد. او به کشاورزی علاقه دارد.»

خواندن نماز از واجبات قابل تکرار در این کتاب است. اعضای خانواده در هر شرایطی آن را به جا می‌آورند. در سفر و در بین راه، در خانه و در مسافرخانه باید خوانده شود. و مولف کتاب اصرار فراوان در انجام این عمل و نشان دادن آن دارد.

خانواده در مسیر سفر خویش، در چند شهر، توقف کوتاه دارد. در شیراز، ابتدا به زیارت شاه چراغ می‌روند و بعد به تماشای بازار وکیل مشغول می‌شوند و در پایان، با عجله سری به آرامگاه سعدی و حافظ می‌زنند.

تراش کار، کارگر ریخته‌گر، فروشنده (بازاری)، و کارمند اداره‌ی پست هستند.

زنان در این کتاب، در یک مورد معلم‌اند و در تصاویر دیگر در حال قالی بافی، رخت شویی و آشپزی دیده می‌شوند.

این کتاب، داستان نقل مکان خانواده‌ای است از کازرون به نیشابور. پدر خانواده کارمند اداره‌ی پست است. حکم شغلی جدیدی مبنی بر تغییر محل کار دریافت می‌دارد. کتاب با خیر دریافت این حکم آغاز می‌شود. خانواده آماده‌ی سفر می‌شود. کتاب با رسیدن خانواده به نیشابور و ثبت نام فرزندان در مدرسه پایان می‌یابد. کتاب در اصل گزارش این سفر است. مولف به نیت مطرح کردن پاره‌ای از قوانین اجتماعی در داستان، کتاب را بدین شکل تالیف نموده است.

کتاب تعلیمات اجتماعی سوم دبستان



در شهر تهران، میهمان «خاله‌ی بچه‌ها» نمره‌های علی گفت: به به، چه شاگرد خوبی» کشاورز، کارگر کارخانه‌ی کنف کشی، هستند. خاله نیز چون مادر خانه‌دار است و در مدرسه‌ی دخترانه، «خانم مدیر از کارخانه‌ی ماشین سازی، کارگر کارخانه‌ی کنسروسازی، کارگر کارخانه‌ی لوله سازی، سرباز، بنا، شاه و رهبر دینی هستند.

جدول تبیض جنسی در تصاویر کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی

عنوان کتاب	مجموع تصاویر	تصاویر مردان	تصاویر زنان	تصاویر مختلط
اجتماعی سوم	۲۱	۱۱	۲	۸
اجتماعی چهارم	۴۲	۳۳	۱	۸
اجتماعی پنجم	۸۰	۶۵	۷	۸
مجموع	۱۴۳	۱۰۹	۱۰	۲۴

جدول شماره‌ی ده

زنان در این کتاب به کار چای کاری، قالی بافی، آشپزی و تهیه‌ی لبنیات مشغولند.
در دو نقشه‌ی ایران از این کتاب، تصاویر انسان آمده است. در هر دو مورد، آنان مرد هستند. در تصویری از نقشه‌ی ایران (صفحه‌ی ۱۷۰)، تنها مردان هستند که از هر گوشه‌ی ایران به پا خاسته‌اند تا پرچم جمهوری اسلامی را به اهتزاز در آورند.

ریخته‌گری است. اهل خانواده در این شهر، ابتدا به بهشت زهرا می‌روند، قبر خمینی را زیارت می‌کنند، به دیدار قبر شهیدان می‌روند، به زیارت قبر طالقانی و چمران می‌روند، روز جمعه به هم راه می‌زنند در نماز جمعه‌ی تهران حضور می‌یابند، به دیدن کاخ سعدآباد می‌روند که «نمادی از طاغوت» است و اکنون بر دیوار آن این سخن امام نوشته شده: «مملکت مال زاغه نشینان است.» و امام «یک موی شما زاغه نشینان را به همه‌ی کاخ نشین‌ها ترجیح» می‌دهد.

جدول مولفین کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی (بر حسب جنسیت)

عنوان کتاب	مجموع مؤلفین	عده‌ی مردان	عده‌ی زنان
اجتماعی سوم	۱	۱	-
اجتماعی چهارم	۲	۲	-
اجتماعی پنجم	۲	۲	-
مجموع	۵	۵	-

جدول شماره‌ی یازده

در مشهد، ابتدا به حرم امام رضا می‌روند و آن را زیارت کرده و در آن جا دعا می‌خوانند. به مسجد گوهرشاد می‌روند. به موزه‌ی حرم سری می‌زنند و سرانجام راهی نیشابور می‌شوند. آخرین درس کتاب، حکایت ثبت نام بچه‌ها از مجموع ۴۲ تصویری که انسان در آن حضور دارد، ۳۳ تصویر از مردان است و تنها در یک تصویر زن حضور دارد. هشت دست رنج خود برای همسر و فرزندان، خوراک و لباس و سایر وسایل زندگی تهیه می‌کند.

جدول تصویرگران و خطاطان کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی (بر حسب جنسیت)

عنوان کتاب	مجموع تصویرگران	عده‌ی مردان	عده‌ی زنان
اجتماعی سوم	۱	۱	-
اجتماعی چهارم	۳	۳	-
اجتماعی پنجم	۱	۱	-
مجموع	۵	۵	-

جدول شماره‌ی دوازده

در همین درس، از مادر چنین یاد می‌شود: «مادر نیز معمولاً مدیر داخل خانه است. او غذا می‌پزد و خانه را پاکیزه نگاه می‌دارد و بچه‌ها را پرورش می‌دهد و تربیت می‌نماید و آن‌ها را در انجام تکالیف مدرسه راهنمایی می‌کند.» در این درس، آن جا که می‌گوید: «هر کاری وقتی دارد»، وقت را چنین تقسیم می‌کند: «شب‌ها برای استراحت و روزها برای کار است... از شنبه تا پنج شنبه روزهای کار است، اما جمعه روز نظافت و شرکت در نماز جمعه و دیدار با آشنایان است.»

در مدارس جدید است. پسر به هم راه پدر برای ثبت نام به مدرسه می‌رود و دختر به هم راه مادر. مدیر مدرسه‌ی پسرانه با «دیدن تصویر مختلط کتاب به اعضای خانواده اختصاص دارد. مردان در این کتاب، راننده‌ی تراکتور،



در پایان درس آمده است: «در بعضی از جامعه‌ها، زنان بدون آن که احتیاج داشته باشند، فقط برای کسب درآمد و داشتن قانون اساسی حمایت می‌کنند. بر اساس نوشته‌های این کتاب، تاریخ ایران، گذشته از تحریف‌های فاحش، سراسر حضور دارد، ۱۰۹ تصویر (۷۶ درصد) به مردان، ده تصویر (هفت درصد) به زنان و ۲۴ تصویر (هفده درصد) به حضور مشترک زن و مرد تعلق دارد. (به جدول شماره‌ی ده رجوع شود)

جدول تبعیض جنسی در تصاویر کتاب‌های فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی دوره‌ی ابتدایی

عنوان کتاب	مجموع تصاویر	تصاویر مردان	تصاویر زنان	تصاویر مختلط
کتاب دوم	۴۴	۳۴	۱	۹
کتاب سوم				
کتاب چهارم	۲۳	۲۱	۲	-
کتاب پنجم	۲۱	۱۸	۲	۱
مجموع	۸۸	۷۳	۵	۱۰

جدول شماره‌ی سیزده

همه‌ی مولفین و تصویرگران در این کتاب‌ها، یعنی صد در صد آنان مرد هستند. (به جدول شماره‌ی یازده و دوازده رجوع شود)

• در کتاب فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی دوم دبستان، از مجموع ۴۴ تصویری که انسان در آن حضور دارد، تنها یک تصویر به زن، نه تصویر مختلط و ۳۴ تصویر از مردان است.

از ۲۴ داستانی که موضوع آن به انسان مربوط می‌شود، شخصیت ۲۱ داستان مردان هستند. در سه داستان دیگر شخصیت‌ها، خواهر و برادر و یا والدین هستند.

پول بیش‌تر، در خارج از خانه کار می‌کنند. اما زن مسلمان، چه در خانه و چه در بیرون از خانه، کار می‌کند تا به مردم کمک کند و وظیفه‌ی خود را نسبت به جامعه انجام دهد.»

جدول تبعیض جنسی در داستان‌های کتاب‌های فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی دوره‌ی ابتدایی

عنوان کتاب	مجموع داستان‌ها	شخصیت‌های مرد	شخصیت‌های زن	شخصیت‌های مختلط
کتاب دوم	۲۴	۲۱	-	۳
کتاب چهارم	۳۱	۲۷	۱	۳
کتاب پنجم	۲۲	۱۹	۱	۲
مجموع	۷۷	۶۷	۲	۸

جدول شماره‌ی چهارده

البته در این درس، نوع این کار و چگونگی آن توضیح داده نشده است.

این کتاب دو مولف و چهار تصویرگر دارد، که همه‌ی آنان مرد هستند.

مختلط و تنها هفت تصویر به زنان تعلق دارند. تصویر منحصر به فرد این کتاب، که این کتاب دو مولف و یک تصویرگر دارد، موجود نیست.

این کتاب دو مولف و یک تصویرگر و خطاط دارد، که هر نفر مرد هستند.

• در کتاب فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی چهارم دبستان، از مجموع ۲۳ تصویری که انسان در آن حضور دارد، ۲۱ تصویر از آن مردان و دو تصویر از آن زنان است.

در این کتاب، از مجموع ۳۱ داستانی که انسان در آن حضور دارد، شخصیت ۲۷ داستان مردان هستند. تنها شخصیت زنی که در یکی از داستان‌ها حضور دارد، فاطمه، دختر پیامبر، است. شخصیت‌های سه داستان دیگر کتاب، اعضای خانواده هستند.

جدول مولفین کتاب‌های فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی (بر حسب جنسیت)

عنوان کتاب	مجموع مولفین	عده‌ی مردان	عده‌ی زنان
کتاب دوم	۲	۲	-
کتاب چهارم	۲	۲	-
کتاب پنجم	۲	۲	-
مجموع	۶	۶	-

جدول شماره‌ی پانزده

در هیچ یک از کتب درسی موجود نیست، حضور زن و مرد را بر نقشه‌ی ایران نشان می‌دهد که دست در دست هم از درخت که همه‌ی آنان مرد هستند، از مجموع ۱۴۳ تصویر کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی که در آن انسان



دارد، که هر چهار نفر آنان مرد هستند. در کتاب فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی پنجم دبستان، از مجموع ۲۱ تصویری که انسان در آن حضور دارد، ۱۸ تصویر از آن مردان، یک تصویر مختلط و دو تصویر از آن زنان است.

از مجموع ۲۲ داستانی که شخصیت انسانی در آن حضور دارد، در ۱۹ داستان شخصیت مرد و تنها یک داستان شخصیت زن حضور دارد. دو داستان دیگر کتاب که به موضوع حجاب اختصاص یافته، برادر و خواهر حضور دارند. در یکی از دروس این کتاب، کار خانواده به «بیرون» و «درون» تقسیم می‌شود. در این تقسیم کار، از زبان دانش آموزی آمده است: «خرید و کارهای بیرون خانه را پدرم انجام می‌دهد. من هم در این کارها به پدرم کمک می‌کنم. زیور و زیبا در کارهای داخل خانه، به مادرم کمک می‌کنند. در منظم نگه داشتن خانه او را یاری می‌دهند.» (صفحه ۷۸)

در قسمتی دیگر از این کلیشه، آن جا که در این تقسیم کار تداخل ایجاد می‌شود، فریاد اعتراض پسر را از زبان خود وی می‌شنویم: «... افراد خانواده‌ی ما، علاوه بر این که کار خودشان را انجام می‌دهند به دیگران هم کمک می‌کنند. مثلاً یک روز عصر وارد خانه شدم، دیدم پدرم جارو برداشته و حیاط را جارو می‌کند. گفتم پدر جان، چرا شما جارو می‌کنید؟ پدر گفت: مگر نمی‌بینی مادر خیلی کار دارد؟ باید به او کمک کنم.»

دو مولف این کتاب، هر دو مرد هستند. با توجه به آمار ارایه شده از سه کتابی که در این بررسی مورد استفاده قرار گرفته است، از مجموع ۸۸ تصویر این کتاب‌ها که در آن انسان حضور دارد، ۷۳ تصویر (هشتاد و سه درصد) به مردان، پنج تصویر (شش درصد) به زنان و ده تصویر (یازده درصد) به حضور مشترک زن و مرد اختصاص یافته است. (به جدول شماره‌ی سیزده رجوع شود)

بر اساس همین آمار، از مجموع ۷۷ داستان این کتاب‌ها، ۶۷ داستان (۸۷ درصد) به مردان، دو داستان (۲ درصد) به زنان و هشت داستان (ده درصد) به زن و مرد، با هم، اختصاص یافته است. (به جدول شماره‌ی چهارده رجوع شود)

مؤلفین و تصویرگران این کتاب‌ها، بدون استثناء، همه مرد هستند. (به جدول شماره پانزده رجوع شود)

در ادامه‌ی آن چه درباره‌ی تبعیض جنسی

نهفته در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی ایران آورده شد، جهت آشنایی با ادامه‌ی این روند در کتاب‌های درسی سال‌های بالاتر، با نگاهی کوتاه به سه کتاب فارسی دوره‌ی اول دبیرستان و یک کتاب جامعه‌شناسی سال سوم متوسطه، موضوع را پی می‌گیریم.

• در کتاب فارسی سال اول دبیرستان، از مجموع ۶۲ عنوان درس، ۲۲ عنوان آن به دین و مذهب مربوط است. این دروس در اصل می‌بایست در کتاب دینی آورده می‌شد. در همین رابطه باید متذکر شد که به بهانه‌ی چاپ شعر در کتاب فارسی، آن بخش از شعر شاعران نام دار ایران را انتخاب کرده‌اند که به دین و مذهب مربوط می‌شود. بدین معنا که از نام شاعران سرشناس جهت القای ایدئولوژی حاکمیت به دانش آموزان، سوء استفاده شده است. برای مثال از مثنوی مولوی، شعر قرآن و از سعدی، در درس جهان مطلوب سعدی، بخشی از کتاب بوستان انتخاب شده که سراسر درباره‌ی خدا و دین است و یا از نسیم شمال، شعر «هر که با علی در افتاد بر افتاد» و از فردوسی، «بهره‌ی فردوسی از سخنان علی»، برگزیده شده است.

در سراسر این کتاب، در بین تمامی شعر و داستان و بیوگرافی‌یی که نقل شده، تنها در یک مورد زن حضور دارد و آن زن پیری است در لطیفه‌ای از محمد عوفی در لباب‌الالباب که شکایت به مأمون الرشید می‌برد.

از مجموع مطالب کتاب، نویسنده‌ی تنها یک موضوع زن است و آن شعری است با نام «بهار است و هنگام گل چیدن من»، از شاعری به نام سپیده کاشانی. موضوع این شعر اسلام و آرمان شهادت مسلمین است. در این کتاب، نوشته‌ای از دکتر شریعتی با نام «درس شهادت و شهید»، نقل شده است که موضوع آن، از جنبه‌ای، حفظ «ملت» و «ایمان» توسط مردان جامعه است. او می‌گوید: «در چنین روزگاری است که مردن، برای یک مرد، تضمین حیات یک ملت است. شهادت او، مایه‌ی بقای یک ایمان است.» (صفحه ۱۸)

فارسی اول دبیرستان چهار مولف و یک تصویرگر و خطاط دارد، که همه‌ی آنان مرد هستند.

• در کتاب فارسی دوم دبیرستان، از مجموع ۳۵ عنوان درس، ۱۸ عنوان آن به دین و مذهب و ایمان مذهبی مربوط می‌شود. تمامی داستان‌ها و بیوگرافی‌های این کتاب

از مردان و درباره‌ی مردان است. تنها موضوعی که درباره‌ی زن است، به حجاب او برمی‌گردد و نویسنده‌ی مقاله یک مرد است. زن، خود در این مقاله حضور ندارد. نویسنده، عقاید خویش را در مورد حجاب زنان بیان داشته است.

از میان تمامی اشعار نقل شده در این کتاب، تنها سراینده‌ی یک شعر زنی به نام سپیده کاشانی است. او این شعر را در رثای «برادر مبارز»ی سروده است که باید «خصم پلید» را بکشد.

نگاهی به گوشه‌های یکی از مقاله‌های این کتاب می‌تواند «مُشتی باشد، به نمونه از خروار». در درس «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگ» آمده است: «... لباس برای آن است، که تحریک جنسی را کم کند... دلیل دیگر ما به این که لباس افراد جامعه، مخصوصاً لباس زنان نمی‌تواند به هر شکل و اندازه‌ای باشد و باید حد و ضابطه‌ای داشته باشد، این است که اصولاً بی بند و باری در پوشش و لباس، نهایتاً موجب بی بند و باری در تحریک غریزه جنسی است... در جامعه‌ای که زن را نه با معیارهای انسانی، بل که با معیارهای زنانگی می‌سنجند، زن در حکم کالا است و با او مانند یک کالا رفتار می‌شود.»

فارسی دوم دبیرستان پنج مولف و یک خطاط و تصویرگر دارد، که همه‌ی آنان مرد هستند.

• در کتاب فارسی سال سوم دبیرستان، از مجموع ۲۷ عنوان درس، ۱۴ درس به شرح حال پیامبران و امامان و خدا و مسایل دینی می‌پردازد.

از یازده درسی که موضوع آن به انسان مربوط می‌شود، بدون استثناء، همه از مردان و برای مردان است. در هیچ درسی از این کتاب، زن حضور ندارد. در میان نویسندگان و شاعران هم هیچ نامی از زنی دیده نمی‌شود. این کتاب کاملاً و تماماً مردانه است.

کتاب فارسی سوم دبیرستان چهار مولف و یک تصویرگر و خطاط دارد، که همه‌ی آنان مرد هستند.

• کتاب جامعه‌شناسی سال سوم متوسطه‌ی عمومی، هم‌چون دیگر کتاب‌های درسی، نمی‌تواند تافته‌ای جدا بافته باشد. متن این کتاب نیز در همان راستا و بر اساس همان اهدافی نوشته شده که دیگر کتاب‌ها. برای نمونه، توجه به چند فرمول کلیشه‌ای در یکی از دروس این کتاب، شاید بی فایده نباشد:



«... یکی از رسم‌های معمول در بسیاری از جامعه‌ها این است، که مرد به خواستگاری زن برود و اگر دختر به خواستگاری پسر برود، جامعه آن را زشت تلقی می‌کند... زن نباید بدون حجاب اسلامی ظاهر شود... این نمونه‌ای از رسوم اخلاقی جامعه است... اینک در چهارچوب حفظ حجاب و شرایط هنجارهای شرعی، تحصیل دختران و یا کار کردن زنان به عنوان معلم یا پرستار برخلاف رسوم اخلاقی جامعه‌ی ما نیست.» (صفحه‌ی ۱۵) در بررسی متون درسی، گذشته از مسایل طرح شده، موارد دیگری هم به روشنی دیده می‌شوند. از جمله این که:

تقریباً در همه‌ی کتاب‌ها تصاویری از انقلاب و روزهای اول آن، از تظاهرات، دیده می‌شود. در هیچ یک از این تصاویر، زن به چشم نمی‌خورد. پنداری زن در انقلاب سال ۵۷ حضور نداشت.

در بیشتر دروس، شاغلین را کارگران و صاحبان حرفه‌های سنتی تشکیل می‌دهند. در هیچ درسی از متون آموزشی، کارمند، مهندس، وکیل و وزیر، مدیر شرکت و یا کارخانه، متخصصین و تحصیل کردگان و یا حتا دانش جویان، وجود ندارند. در رابطه با محیط کار، هیچ درسی در کارخانه، اداره‌ی دولتی، شرکت تجاری و بازرگانی اتفاق نمی‌افتد. مولفین سعی کرده‌اند که دروس در محدوده‌ی مزرعه، کارگاه‌های کوچک سنتی، مشاغل فردی (نجار، بنا، نقاش و...)، خانه و یا مدرسه اتفاق بیفتد.

در هیچ درسی، زنی راننده و یا در حال رانندگی به چشم نمی‌خورد. ریاست و مدیریت، در دروس، از آن

زنان نیست. در هیچ درسی از کتاب‌های درسی، دختر و پسر (جز برادر و خواهر و یا فرزند و والدین) با هم و یا در کنار یک دیگر نیستند. اگر چنان چه در درسی و یا مساله‌ای از ریاضی، دو اسم پسر و دختر با هم بیاید، حتماً ذکر خواهد شد که این دو خواهر و برادر هستند.

تنها غذاهایی که در دروس از آنان نام برده شده، آبگوشت و آش هستند. خوردن آبگوشت در چند درس، حتا در درسی از کتاب دینی تکرار شده است. در این درس، حضرت محمد، چهل نفر از نزدیکانش را جهت دعوت آنان به اسلام به خانه خود دعوت می‌کند و برای‌شان آبگوشت تدارک

می‌بیند. غذا به طور کلی دور سفره و بر زمین خورده می‌شود. میز غذاخوری از کتاب‌ها غایب است. کشیدن غذا، هم چون پختن آن، به عهده مادر است و پدر اولین کسی است که باید غذا برایش کشیده شود. پس از او، فرزند پسر حق تقدم دارد. پسرها همیشه با هم و دختران هم با یک دیگر بازی می‌کنند. نوع بازی‌های پسران و دختران از کلیشه‌های متداول پیروی می‌کند. مثلاً پسران فوتبال بازی می‌کنند و دختران خیاطی. در بسیاری از تصاویر، دختران تماشاگر بازی‌های «پسرانه» هستند.

زنان عموماً نقش غیرفعال دارند. پسران در متون درسی، ماجراجو و جسورتر از دختران



هستند. دختران همیشه آرام و مطیع هستند. مرد همیشه فرمانده و زن مطیع است.

مرد، مدافع زن و میهن است. میهن نیز، چون زن، ناموس مرد محسوب می‌شود. زنان، با عاطفه، مهربان، فداکار و وابسته تصویر می‌شوند. مردان هم صاحب قدرت فکری و هم بدنی هستند. قدرت آفرینش مردان بیش از زنان است. در کتاب‌های درسی نیز، چون جامعه، به آموزش دختران بیش از پسران اهمیت داده می‌شود.

در هیچ درسی، والدین جدا شده از هم، یا خانواده‌ی بی پدر و یا بی مادر، و یا فرزندی که با پدرشان زندگی بکنند، دیده نمی‌شود. در هیچ درسی، پدر آشپزی و یا کار خانه

را انجام نمی‌دهد، هم چنان که، در هیچ درسی، مادر نان‌آور خانه نیست. در همه‌ی دروس، شکل خاصی از خانواده‌ی سنتی تبلیغ می‌شود. بر طبق این الگو، خانواده عبارت است از پدر (نان‌آور)، مادر (خانه‌دار) و دو فرزند که معمولاً یکی پسر و آن دیگر دختر است. زن مجرد در کتاب‌های درسی حق حیات ندارد.

در هیچ درسی، والدین در اوقات فراغت، به اتفاق بچه‌ها، با هم بازی نمی‌کنند. در هیچ درسی، خانواده در تعطیلات به مسافرت نمی‌رود.

به زنان در متون درسی، هم چون جامعه، همیشه از بعد اخلاقی نگریسته می‌شود. زن، وسوسه‌گر و اغواکننده است. ماندن او در حصار خانه هم به نفع خانواده و هم به نفع جامعه است. بر این اساس، زندگی زن ایرانی در چهارچوب اخلاق و زندان ارزش‌های اخلاقی اسیر است. هر اظهار نظری در این مورد، با اتهام «ضد اخلاقی» روبرو می‌شود. ضد اخلاق بودن، تنبیه اخلاقی را هم با خود به هم راه دارد. جرم اخلاقی، انسان جامعه سنتی را از صحنه‌ی زندگی شخصی و اجتماعی کنار می‌گذارد. زن ایرانی را پیوسته، در خانواده و جامعه، اتهام «ضد اخلاق» تهدید می‌کند.

محو فردیت، و به ویژه فردیت زن، و خوار نمودن انسان در برابر اراده‌ی برتر در کتاب‌های درسی موج می‌زند.

دانش، توانایی است. در کتاب‌های درسی به زنان می‌آموزاند که آنان، جز در امور فرودست، توانایی لازم را ندارند. زنان مجبورند در آن دنیای فرهنگی، سیاسی و روشن فکری به سر

برند، که خود در ساختنش هیچ نقشی نداشته و ندارند. زن در متون درسی، محبوس در حصارهای مردساخته است.

در کتاب‌های درسی ایران، کودک را موجود کاملی محسوب نمی‌دارند تا ذوق و میل او را هم در تنظیم متون درسی در نظر آورند. و این در صورتی است که در همان جامعه، میلیون‌ها کودک، به جای نشستن پشت میز مدرسه، وظایف سنگین شغلی و تأمین مخارج زندگی خود و خانواده را بر عهده دارند. گذشته از آن، دروس و مطالب کتاب‌های درسی هیچ خلاقیتی را در کودک بر نمی‌انگیزد.

رنگ تیره، رنگ غالب بر تصاویر کتاب‌هاست.



انسان‌های کتاب‌های درسی، در اکثریت خویش، چهره‌ای عبوس دارند. شادابی جسم و جان، هم در رنگ‌ها و هم در انسان‌ها، از کتب درسی رخت بر بسته است. وجود فضای داستانی و تصاویر تخیلی، که امروزه کاربرد عام آن در متون آموزشی، امری مسلم است، در هیچ یک از متون درسی به چشم نمی‌خورد.

در این نکته هیچ شکمی وجود ندارد، که اسامی انسان‌ها نیز هم چون جامعه در تغییر و تحول است. اگر جامعه‌ای روندی معمولی در رشد داشته باشد، به نسبت پیش رفت جامعه، اسامی نیز متحول می‌شوند. در جامعه‌ی پیش رفته، با شنیدن نام اشخاص می‌توان حدس زد که آنان در چه دهه‌ای متولد شده‌اند. به روایتی دیگر، نام آدمیان مُهر تاریخ را هم بر خود دارد. در کتاب‌های درسی ایران اما، چون جامعه، اسامی چند دهه‌ی پیش بار دیگر احیا شده‌اند. حسن، حسین، امین، ابوالفضل، محمد، مصطفی، روح‌الله، فاطمه، کبری، زینب و... جانشین نام‌هایی چون بیژن، نوید، سیامک، پروانه، زهره و... شده‌اند. برای مثال در کتاب فارسی سوم، در بازنویسی یکی از دروس زمان رژیم سابق، ابتدا کلاس درس را از دخترانه به پسرانه تبدیل کرده‌اند و سپس نام‌هایی چون پروین و هما و زری و نسرین و فرخنده را حذف و اسامی محمد و حسن و سعید و رضا و علی را جایگزین کرده‌اند.

عالمان دین، متخصصین امور تربیتی و جامعه‌شناسان وابسته به حکومت، با دیدی مردانه، به نام علم سعی نموده‌اند تا ایدئولوژی حاکمیت را به غالب کتاب‌های درسی در آورند. آن‌ها شناخت لازم را از چگونگی تغییر و تحول متون درسی ندارند. کودک را نمی‌شناسند و از روان‌شناسی کودک و روان‌شناسی رشد اطلاع ندارند. «در سازمان کتاب‌های درسی، هیچ کس نیست که بتواند نظریه‌های عمیقی در مورد جایگزینی آن چه باید در کتاب» باشد و آن چه نباید باشد، ارائه دهد. (۱۵)

دید حاکم سنت بر کتاب‌های درسی، آرزوها، ذهنیت‌ها و خواست‌های جامعه‌ی مردسالار را بر اعمال و رفتار شخصیت‌های متون درسی حاکم گردانیده است. جامعه‌ی سنتی ما با پیش داورهای مبتنی بر تفکرات عامیانه، متاسفانه تبعیض جنسی را امری طبیعی و مسلم و در نتیجه به جا می‌داند. در این عرصه ما هنوز نتوانسته‌ایم ارزش‌های

تاکنونی را زیر سؤال ببریم. تعلیم و تربیت در کشور ما، زنان را آن سان در کتاب‌های درسی تصویر می‌کند که مردان می‌خواهند. زنان در کتاب‌های درسی ایران از جایگاه ساختاری همانندی با مردان برخوردار نیستند. تجارب زیستی زنان را عملاً نادیده می‌گیرند و یا غیر واقعی نشان می‌دهند. ستم و استثمار جنسی و شیوه‌های گوناگون آن، اگر نادیده گرفته نشود، طبیعی پنداشته می‌شود. زنان در کتاب‌های درسی، نماینده‌ی بینشی هستند که بر طبق آن زنان باید از مواضع قدرت دور و از تولید دانش و تفکر بازداشته شوند، که این خود هم‌آهنگ با حاکمیت ایدئولوژی مردانه بر دانش جهانی است.

رفتار با پسران و دختران در کتاب‌های درسی متفاوت است. در واقع، والدین، آموزگاران و در نهایت، اجتماع، انتظارات متفاوتی را نیز از رفتار دختران و پسران دارند. متون درسی، در تقویت رفتارهای تاکنونی که میراث سنت است، می‌کوشد و بر آن تاکید می‌ورزد. این را هم باید در نظر داشت که: آن چه در کتاب‌های درسی، به عنوان الگو و نقش مناسب، گفته می‌شود، در برنامه‌های تلویزیونی و نشریات دولتی مورد تبلیغ قرار گرفته، ترویج داده می‌شود. طبیعی است، که کسی اگر نخواهد از الگوهای ارایه داده شده پیروی کند، مورد سرزنش و تمسخر قرار گیرد. بر این اساس، پسران را محکوم می‌کنند که اداهای دخترانه از خود بروز می‌دهند و دختران را نسبت به ارایه‌ی رفتار پسرانه سرزنش می‌کنند. و جالب این که، زن و یا دختر، با توجه به فرهنگ مردسالارانه‌ی حاکم، در پاره‌ای موارد، افتخار می‌کند و بر خود می‌بالد که به صفت مردانه منتسب شده است، ولی ننگ بر پسری روا می‌دارند که رفتاری دختروار داشته باشد.

در هیچ کتاب درسی، از تحولات علمی و فرهنگی دنیای معاصر خبری نیست. زنان آن گونه تصویر می‌شوند، که صد سال پیش بودند. در هیچ یک از متون درسی، زن نقش فعالی، نه در خانواده و نه در جامعه، ندارد. در هیچ درسی، تحولات اخیر زندگی زنان جهان بازتابیده است. در کتاب‌های درسی ایران نیز، هم چون جامعه، مردان سلطه‌ی خویش را بر زنان اعمال می‌کنند. به طور کلی، کتاب‌های درسی ایران، پاسخ‌گوی نیازهای جامعه‌ی معاصر نیست. بافت جامعه‌ی روستایی بر کتب و مواد درسی تسلط مطلق دارد. از جامعه‌ی شهری و

مدرن، تنها تصاویری رنگ پریده به چشم می‌خورد. این تصاویر از ایران امروز نیز چندین دهه‌ی عقب‌تر هستند.

اگر از تنها مورد استثناء، که زن را به عنوان معلم نشان می‌دهد، بگذریم، می‌توان ادعا کرد که در کتاب‌های درسی ایران، زن از زمان قاجار پیش‌تر نیامده است. به طور کلی، زن به عنوان موجودی مستقل و صاحب عقل و رای در کتاب‌های درسی حضور ندارد. حضور ضمنی و حاشیه‌ای او، پنداری ضمیمه‌ای است تزیینی بر برنامه‌های درسی.

مردان در کتاب‌های درسی، موجوداتی قدرت مند نمایانده می‌شوند، موجوداتی که توان مهار کردن طبیعت را دارند. و جالب این که، زن در متون درسی، چون بچه می‌زاید، موجودی است که خصلت نزدیک به طبیعت دارد. و این از مواردی است که بر آن اساس، برتری مرد بر زن را در جامعه‌ی مردسالار توجیه می‌کنند. از این زاویه است که «مردانگی» عمومیت پیدا کرده، حاکمیت خویش را بر حوزه‌ی اجتماع گسترش می‌دهد.

با توجه به آن چه گفته شد، تبعیض جنسی را می‌توان به شکلی گسترده در کتاب‌های درسی ایران دید. و تبعیض جنسی، هم چون تبعیض نژادی، بر نابرابری انسان‌ها استوار است. متاسفانه حاکمیت در ایران، خود مشوق و برنامه ریز آن است. و این جای تأسف دارد، که در جامعه‌ی سنتی، زنان خود نقش بزرگی در بیرون نهادن خویش از جامعه بر عهده دارند. آنان خود را، ناآگاهانه، از اجتماع حذف می‌کنند. زن در جامعه‌ی ما، اسیر اخلاق قدرت‌گرای حاکمیت سنتی است.

آموزش و پرورش از ابزار تحرک و دگرگونی جامعه است و کودک امروز می‌آموزد تا دنیای فردا را بنا کند. مدرسه به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه، می‌تواند نقش موثری در تعیین ارزش‌های زندگی فردی و اجتماعی داشته باشد. متون آموزشی می‌توانند کلیشه‌های خاصی را از طریق دانش آموزان بر جامعه حاکم گردانند و یا دیوار سنت را بشکنند و کلیشه‌ها را در هم ریزند. زن ستیزی و مردسالاری و خرافه پرستی، همان اندازه می‌توانند در متون درسی راه یابند، که انسان دوستی و صلح خواهی.

خلاقیت کودک رابطه‌ای مستقیم با درجه‌ی استقلال‌ی دارد، که او از آن بهره‌مند است. جامعه‌ی سنتی در چهارچوب سنت و اخلاق



سستی دانش آموز را آزاد می‌گذارد. پس نباید انتظار داشت که انسان آموزش دیده و فارغ التحصیل از مدارس ایران، آن کسی باشد که دنیای دیگری بیافریند، مگر آن که والدین در خانه، استقلال لازم را، جهت تفکر و تعقل و تحرک و خلاقیت، در اختیار او بگذارند.

با توجه به واقعیت جامعه‌ی ایران، با علم بر این که ایدئولوژی حاکم بر کتاب‌های درسی تاکنون نتوانسته به کل اجتماع تعمیم یابد، با توجه به این که زن ایرانی، هنوز در کُلیت خویش، تن به اراده‌های سنت گرایانه نداده است، در این عرصه نیز کشور غرق بحران است. این بحران بیش از هر چیز، ریشه در تضادهایی دارد که جامعه در آن گرفتار آمده است. احکام سنت گرای حکومتی در کتاب‌های درسی که می‌بایست هدایت‌گر انسان به سوی سعادت و خوشبختی باشند، به ابزار انقیاد او بدل شده‌اند. در متون درسی نیز چون جامعه، در ایران امروز، سیاست‌های جنسیتی به یکی از کانون‌های اصلی بازتاباننده‌ی تضادهای میان دولت و جامعه تبدیل شده است.

این را نیز باید در نظر داشت که دانش‌آموزان، به ویژه آنانی که به خانواده‌های تحصیل کرده و غیر سنتی تعلق دارند، در زندگی اجتماعی با دو نظام ارزشی کاملاً متضاد درگیرند. در خانواده چیزی ورای آن چه در مدرسه و کتاب‌های درسی آموزش داده می‌شود، فرا می‌گیرند. و چنین است که سیاست‌های ایدئولوژیک دولت بر آموزش و پرورش تاکنون نتوانسته، و طبیعی است که پس از این نیز نتواند، نتایج دل خواه دولت و دولت مردان را فراهم آورد. این هم قابل ذکر است، که دانش‌آموزان پرورش یافته در مدارس چنین جامعه‌ای صاحب رفتاری دوگانه خواهند شد، که این رفتار پیامدهای روان شناختی و جامعه شناختی خاص خود را هم راه خواهد داشت.

دانش‌آموزان فارغ التحصیل از مدارس ایران بی شک آن نیستند، که حاکمیت سنت گرا می‌طلبد. آنان نه دنباله روی سنت خواهند بود و نه انسانی آگاه به مدرنیته. از سنت، مردم داری را وام می‌گیرند و از مدرنیته، ظواهر آن را. و چنین است که هر روز، بیش از پیش بر دامنه‌ی تنش موجود میان سنت و مدرنیته در جامعه خواهد افزود.

می‌گویند شناخت درد، نیمی از درمان است. در رابطه با متون کتاب‌های درسی، متاسفانه ما هنوز فاقد آگاهی لازم از درد

هستیم و چنین که بر می‌آید، علاقه‌ای هم بدان نداریم.

در کشورهای پیش رفته، کتاب‌های درسی هم گام با تحولات علمی و اجتماعی، به شکل ادواری، تغییر می‌یابند. موضوعات کهنه حذف و مسایل نو جایگزین می‌شوند. تا چند سال پیش، زمان لازم برای بازبینی متون درسی بین پنج تا ده سال در نوسان بود. این زمان اکنون به کم‌تر از پنج سال تنزل یافته است. در محتویات کتاب‌های درسی ایران اما، در کُلیت خویش، بیش از چهل سال است که تغییر اساسی صورت نگرفته است.

در این شکی نیست که اگر متنی از دروس، بازتاب ساده‌ای از واقعیت روز جامعه باشد، در اصل به امر تبعیض جنسی و تحکیم کلیشه‌ها کمک نموده است. متون و مواد درسی، وظیفه دارند فکر نو و اندیشه‌ی امروزی را جایگزین کلیشه‌ها سازند. تا آن گاه که آموزش و پرورش کشور در این راستا نکوشد، روند جامعه رو به قهقرا خواهد بود. و این شدنی نیست، مگر این که آموزش و پرورش استقلال خویش را از ایدئولوژی حاکمیت اعلام دارد. و باز این شدنی نیست، مگر این که...

* * *

توضیحات:

۱- آیت‌الله خمینی، کتاب «نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء»، صفحه‌ی ۱۷. این کتاب در زمان انقلاب بارها و بارها از سوی ناشران مختلف تجدید چاپ شده است؛

۲- در پشت جلد کتاب‌های درسی آمده است، که برای «خشنودی خدا و رستگار شدن» باید تعلیم پذیرفت؛

۳- به نقل از مقدمه‌ی کتاب‌های آموزش انگلیس مدارس؛

۴- به نقل از کتاب تعلیمات اجتماعی سال اول دوره‌ی راهنمایی؛

۵- برای اطلاع بیش‌تر رجوع شود به: اسد سیف، «اسلامی نویسی - بررسی دو دهه ادبیات دولتی در ایران»، انتشارات باران، سوئد ۱۹۹۹؛

۶- احمد شیرزاد، «سانسور کتاب‌های درسی»، روزنامه‌ی اعتماد، ۷، ۱۲، ۲۰۰۸؛

۷- جهت اطلاع بیش‌تر در این زمینه به کتاب «نقش آموزش زنان در توسعه‌ی اقتصادی»، نوشته‌ی الیزابت م. کینگ، ترجمه‌ی دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی) رجوع

شود. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، پاییز ۱۳۷۶؛

۸- برای اطلاع بیش‌تر به فصل «اسلامی نویسی در کتاب‌های درسی» از کتاب «اسلامی نویسی - بررسی دو دهه ادبیات دولتی در ایران»، نوشته‌ی اسد سیف، انتشارات باران، سوئد ۱۹۹۹، رجوع شود. در این نوشته سعی شده ایدئولوژی حاکم در تدوین کتاب‌های درسی بررسی شود؛

۹- فاطمه تندگویان، مشاور وزیر آموزش و پرورش در امور زنان، به نقل از ماهنامه‌ی زنان، شماره‌ی ۶۱، سال هشتم، اسفند ۱۳۷۸، صفحه‌ی ۶؛

۱۰- به نقل از کتاب «درآمدی بر جامعه شناسی نگرش‌های فمینیستی»، نوشته‌ی پاملا ابوت و کلر والاس، ترجمه‌ی مریم خراسانی و حمید احمدی، نشر دنیای مادر، تهران، زمستان ۱۳۷۸؛

۱۱- سالنامه‌ی آماری کشور، ۱۳۷۲، صفحه‌ی ۴۳۶، به نقل از شهلا اعزازی، «خشونت خانوادگی در ایران: واقعیتی پنهان»، نشریه‌ی نیمه‌ی دیگر، شماره پنجم، پاییز ۱۳۷۸؛

۱۲- فاطمه تندگویان، مشاور وزیر آموزش و پرورش و مدیر کل امور بانوان، به نقل از ماهنامه‌ی زنان، شماره‌ی ۶۱، سال هشتم، اسفند ۱۳۷۸، صفحه‌ی ۵؛

۱۳- برای اطلاع بیش‌تر در این زمینه به کتاب «پیکار با تبعیض جنسی»، نوشته‌ی آندره میشل، ترجمه‌ی محمد جعفر پوینده، تهران، موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۶، رجوع شود. این کتاب که حاصل تحقیقات یونسکو در این زمینه است، می‌تواند در بازبینی و تغییر کتاب‌های درسی مورد استفاده فراوان قرار گیرد؛

۱۴- متاسفانه کتاب علوم را که در اختیار داشتیم، فاقد صفحه‌ای بود که اسامی مولفین و تصویرگران در آن درج شده بود؛

۱۵- محمد محمدی، «ماجراهای تغییر سیمای زن در فارسی اول»، ماهنامه‌ی زنان، شماره‌ی ۵۶، مهر ۱۳۷۸؛

* * *

